

پیرامون امامت و خصائص حضرت مهدی (ع)

پاسخ ده پرسش



پیرامون امامت و خصائص
حضرت مهدی
علیه السلام

پاسخ ده پرسش

بقلم
لطف الله صافی



مشخصات :

قطع رقیبی

تعداد : ۲۰۰۰ نسخه

چاپ : سازمان چاپ مهر قم



بعد الحمد والصلوة

این مجموعه پاسخ است به ده سؤال پیرامون نظام امامت و چگونگی غیبت ، و بعض خصائص و اوصاف حضرت ولی زمان ، و غوث دوران و کشف امان مولینا و سیدنا الحجة بن الحسن المهدی صلوات الله علیه و علی آباءه الطاهرين .
امید است انتشار آن مفید باشد .

بتاریخ ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۹۸ هجری قمری

مطابق ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ هجری شمسی

لطف الله صافی گلپایگانی

فهرست

- ۱- پیرامون استمرار نظام امامت؟
- ۲- چگونه حضرت مهدی علیه السلام با ۳۱۳ نفر دنیا را تسخیر میکند؟
- ۳- حضرت مهدی علیه السلام در غیبت کبری کجا تشریف دارند؟
- ۴- اعمال و وظایف حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت؟
- ۵- آیا حضرت مهدی علیه السلام همسر و اولاد دارند؟
- ۶- چرا حضرت مهدی علیه السلام در فرصتهای مناسب ظاهر نمیشوند؟
- ۷- درباره توقیع و شرفیابی‌ها
- ۸- چگونگی غیبت حضرت مهدی علیه السلام
- ۹- چگونه امام علیه السلام با شمشیر در برابر سلاح‌های ویرانگر قیام می‌کند؟
- ۱۰- پاسخ به نلدسن خاورشناس

(۱)

پیرامون استمرار نظام امامت

پیرامون استمرار نظام امامت

سؤال : آیا رژیم و نظام امامت با پایان یافتن دوره غیبت صغری ، و آغاز غیبت کبری (سال ۳۲۹ هجری قمری) پایان یافت ، و پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام این نظام از نو برقرار میشود یا اینکه نظام امامت استمرار دارد .

جواب :

رژیم امامت رژیمی است الهی ، و انقطاع ناپذیر ، و دوره فترت ندارد ، و در هر زمان و هر عصر وجود دارد ، و از عصر حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم تا حال تشکیل ، و برقرار بوده و هست ، و تا دنیا باقی است برقرار خواهد ماند .

چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

«لاتخلو الارض من قائم لله بحجة اما ظاهر أمشهورا واما خائفاً
مغموراً لئلا تبطل حجج الله وبياناته» . (۱)

زمین خالی نخواهد ماند از قائمی از برای خدا بحجت یا
ظاهر و مشهور و یا بيمناك و مستور برای اینکه حجتهای خدا و بیانات
او باطل نگردد، و از بین نرود .

بر هر کس واجب است که نظام امامت را بشناسد ، و بآن ایمان
داشته باشد ، و در هر زمان و هر مکان فقط مردم باید از این رژیم
اطاعت کنند ، و هر کس در هر کجا، و هر نقطه‌ای از دنیا که باشد ، و هر
شغل و کاری داشته باشد لشگری باشد یا کشوری ، بازرگان یا پیشه‌ور
دانشمند یا دانشجو باید مطیع این رژیم، و فرمانبر این نظام و برنامه‌های
آن باشد تفاوت نمی‌کند که این نظام مسلط بر اوضاع باشد یا مسلط
نباشد ، و حکومت‌های غاصب در امور مداخله داشته باشند یا نداشته
باشند .

این حکومت است و دین است و سیاست است و رژیم و نظام
پس اگر يك فرد مسلمان در دورترین نقاط چین یا اروپا یا آمریکا یا
هر منطقه دیگر باشد که حکومت‌های غیر شرعی قدرت سیاسی ، و اداره
امور را در دست داشته باشند همان یکفرد باید مطیع نظام الهی امامت

(۱) نهج البلاغه حکمت ۱۴۷ و به تذکرة الحفاظ ذهبی ج ۱ ص

۱۲ نیز مراجعه شود .

باشد تا در نظام حکومت خدا باشد، و باید دستور العمل و برنامه کارش را از طریق نظام امامت تعیین کند باید اگر در منطقه تحت حکومت رسمی کفارس زندگی می کند و کارمند مؤسسات و وزارتخانه ها و ادارات آنها نیز باشد فرمان بر نظام امامت باشد، و از آن نظام دستور بگیرد، و تابعیت آنرا داشته باشد.

دور بودن از حریم و منطقه نفوذ رسمی این رژیم شخص را از اطاعت آن و تابعیت آن معاف نخواهد کرد.

ابوذر و سلمان و مقداد و عمار یاسر، و اینگونه شخصیتها در حال تسلط نظام غاصب فرمانبر نظام امامت بودند، و امثال علی بن یقطین و محمد بن اسمعیل بن بزیع نیز اگر چه بظاهر در دستگاه هرون، و حکومت بنی عباس وارد بودند از نظام امامت اطاعت میکردند.

هر کس باید مشخص سازد، و تعیین کند که در زندگی، و تمام شئون و امور خود از چه رژیم و نظامی اطاعت میکند، و تابع چه حکومتی است.

باید معلوم کند که تابعیت حکومت خدا را قبول کرده یا حکومت طاغوت را پذیرفته است و مؤمن به خدا میباشد یا مؤمن به طاغوت.

متأسفانه بیشتر مردم و مسلمانان باین مسئله بسیار مهم توجه کافی نکرده و معنی ولایت را درک ننموده، و از اهمیت این بعد آن که اطاعت باشد غفلت کرده اند، و آنانکه خیلی مذهبی، و متعهد هستند بانجام

يك سلسله فرائض و واجبات ، و ترك محرمات اکتفا میکنند .

اما از اینکه در حال حاضر چه تابعیتی باید داشته باشند غفلت دارند ، و اگر تابعیت حکومت‌های غیر شرعی را قبول نکرده باشند ، تابعیت حکومت شرعی را هم آگاهانه نپذیرفته‌اند ، و به تعهدات و مسئولیت‌هایی که در برابر آن دارند توجه ندارند و تابعیت حکومت شرعی را یک مسئله و وظیفه اسلامی نشمرده‌اند .

طبق مذهب اهل سنت که تشکیل حکومت شرعی ، ممکن است بقرت برخوردار نماید ، و در بعض زمانها بعللی نظام حکومت اسلامی تعطیل شود ممکن است در زمانی که حکومت شرعی تشکیل نیست مسئله تابعیت از آن هم مطرح نباشد و بلکه بی‌موضوع گردد .

اما طبق مذهب شیعه که نظام امامت رژی‌م دائم و مستمر است همیشه و در تمام شرایط تابعیت حکومت شرعی یک فریضه اساسی و عمده است .

حکومت مخصوص ذات خدا است (ان‌الحکم‌الله) و باید فقط خدا پرستش و اطاعت شود و اطاعت برای او خالص باشد و در برابر حکومت و سلطنت و رژی‌م او مردم خاضع ، و فرمانبر باشند (امر الاتعبدوا الا‌ایاه مخلصین له‌الدین) دین‌قیم و مستقیم این است (ذلك‌الدین‌القیم) .

رژی‌م امامت یعنی حکومت خدا ، و تابعیت این رژی‌م تسلیم حکم خدا بودن ، و در منطقه حکومت خدا زیستن ، و به حکومت غیر

خدا عقیده نداشتن است .

تفاوت نمیکند در اعصاری که ائمه علیهم السلام حضور داشتند، و غاصبان حکومت مانع از مداخله رسی آنها در کارها بودند یا در عصر غیبت کبری که امام علیه السلام غایب میباشند باید هر مسلمانی در این رژیم ثبت نام کند ، و از اینجا فرمان ببرد شناسنامه حقیقی خود را بگیرد ، حکومت شرعی همیشه تشکیل است ، و مرز و منطقه ، و کشور ندارد هر کجا يك فرد متشرع و يك مسلمان متعهد باشد آنجا در قلمرو فرمان این حکومت محسوب است .

امروز مهمتر چیزی که باید بشیعیان خصوصاً و بمسلمانان عموماً تفهیم کرد مسئله رژیمی است که باید از آن تبعیت داشته باشند و نظامی که باید از آن اطاعت نمایند .

این موضوع اگر کاملاً درك شود یگانگی وسیله ای است که از آن برای اصلاح امور و مبارزه با عوامل بیگانه ، و استعمار و استعباد و استبداد میتوان استفاده کرد .

این حکومت ، و نظام امامت بود که در واقعه تحریم تنباکو حکومت انگلستان را بزانو در آورد ، و رشته استبداد ناصر الدین شاه را قطع کرد ، و استعمار گران را در بیم و هراس انداخت .

و این ملت مسلمان و شیعه ایران بود که در این واقعه بدنی اعلام کرد تابعیت رژیمی را دارد که رهبری آن با آیت الله مرحوم میرزای

شیرازی اعلی الله مقامه است ، و تابعیت رژیم استبدادی ناصر الدین شاه را ندارد .

نظام امامت یکی از انقلابی ترین ، و سازنده ترین برنامه های اسلامی است (۱) که متأسفانه از آن بطور کامل در پیشبرد مقاصد و اهداف اسلام ، و امر بمعروف و نهی از منکر ، و مبارزه با تجاوز ، و استضعاف استفاده نمیشود ، و چنانکه باید بعموم تبلیغ نشده و ایمان باین نظام ، و ابعاد آن و تعهداتی که مؤمن باین نظام دارد در یک سطح همگانی و با اهمیت عرضه نمیشود .

بنظر اینجانب تمام یا عمده نقاط ضعف و عقب ماندگی های جامعه ، از عدم توجه باین برنامه ، و مشخص نکردن تابعیت ، و ملتزم نبودن بلوازم عقیده بامامت ، و نشناختن آن مایه گرفته است ، و اینکه بسیاری امامت را در عصر حاضر یک امر اعتقادی خارج از عمل ،

(۱) ایمان و عقیده باین نظام کمترین فائده اش بازداري و کنترل هر نظام دیگر است که بر اوضاع مسلط شده باشد عقیده به نظام امامت آن نظامات غیر شرعی را نیز محدود میکند ، و از دیکتاتوری و مطلق العنانی آنها جلوگیری مینماید ، و افراد را از اینکه در بست خود را در اختیار آنها بگذارند مانع میشود نظام امامت در هر مرحله ای از نفوذ که باشد در همان مرحله نظام بازداري از ظلم و فساد و استضعاف است که بیشتر از این در اینجا مجال شرحش نیست .

میشمارند، و آنرا مربوط بدوران وعصر حضور امام میدانند، و نمیدانند که هم اکنون نیز نظام امامت قائم برپا است، و فقط تبعیت از آن راه نجات دنیا و عقبی است.

عقیده بنظام امامت و حکومت شرعی در تمام شئون قدرت سازندگی دارد و شعبه عقیده توحید خالص است، و از آن انفکاک ندارد، و حدیث شریف معروف (من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة) همین استمرار، و همین لزوم اطاعت دائم، و در تمام اعصار و ازمنه و مناطق را تایید مینماید، و چون رشته‌ای از عقیده بتوحید، و حکومت خدا و سلطنت حق است هر کس بمیرد، و امام زمان خود را نشناخته باشد مرده است بمردن جاهلیت.

و چون اطاعت داشتن از نظامات دیگر يك نوع شرك فکری و عملی است حضرت صادق علیه السلام در ضمن حدیثی میفرماید:

لادین لمن دان الله بولاية امام جائر ليس من الله (۱).

یعنی دینی نیست از برای کسی که خدا را عبادت کند بولاية پیشوای ستمکاری که از جانب خدا نیست.

و حضرت ابی جعفر علیه السلام میفرماید:

قال الله تبارك و تعالی : لا عذب کل رعیة فی الاسلام دانت بولاية کل امام جائر ليس من الله ، وان كانت الرعیة فی اعمالها برة تقیة ،

(۱) الکافی ج ۱ ص ۳۷۵

ولا عفون عن كل رعية في الاسلام دانت بولاية كل امام عادل من الله ،
وان كانت الرعية في انفسها ظالمة مسيئة .

یعنی خداوند متعال فرموده است : البته عذاب خواهم کرده
رعیتی را که در اسلام متدین گردد بولایت هر پیشوای ستمکاری که از
جانب خدا نیست اگرچه رعیت در کارهای خود نیکو کار و پرهیز کار
باشد ، و البته عفو میکنم از هر رعیتی که در اسلام متدین گردد بولایت
امام عادل که از جانب خدا باشد اگرچه رعیت در خودشان ستمگر
و بد کردار باشند .

از امثال این احادیث (۱) اهمیت امامت ، ورهبری سیاسی
و نقش آن در اجتماع معلوم میگردد ، و اینکه اگر ملتی و فردی در این
اصل مسامحه کند ، و به نظامی که بر او ضاع مسلط است ، و به شرعی
بودن آن اعتنا نداشته باشد ، و در این موضوع خود را مسئول نشمارد
اگرچه در کارهای دیگرش مواظب دستورات شرع باشد مستحق
بازخواست ، و عذاب خواهد شد و هم از این احادیث استفاده میشود

(۱) مخفی نماند که احادیث بسیار در موضوع ولایت اهل بیت
علیهم السلام و اینکه هیچ عملی بدون ولایت نفع نمیدهد وارد است ،
که قسمتی از آنها را در کتاب امان الامة نقل کرده ام و همه بر اهمیت نظام
امامت و اینکه باید امت آنرا تعظیم نموده ، و از آن اطاعت داشته باشند
دلالت دارند .

که رژیم امامت رژیم محدود نیست و مستمر و جاودان است ، و به عصر حضور منحصر نیست همیشه منعقد است و هیچگاه تعطیل نشده و نخواهد شد .

در عصر ما نیز حکومت شرعی بر این اساس برقرار است ، و کسی در ترك اطاعت آن و قبول نظامات دیگر معذور نیست ، و عقیده به وجود امام عصر علیه السلام و حیات آنحضرت معنایش وجود حکومت شرعی و اطاعت از اوامر ، و پیشنهادهای و دستورات فقهاء جامع الشرائط است .

باز تکرار میکنیم که منطقه نفوذ این حکومت مرز ندارد ، و تا هر کجا مسلمان و شیعه باشد باید نفوذ داشته باشد ، و هر کس مابین خود و خدا باید از این نظام تبعیت کند اگر چه این نظام بظاهر استیلاء بر امور و تسلط حکومتهای ظاهری رانداشته باشد .

خلاصه التفات باین مطلب بسیار لازم است که مایک عقیده‌ای توحیدی داریم که (له الحکم و له الامر ، وهو الحاکم ، وهو السلطان وهو الولی ، وهو المولی وهو ... وهو ...) حکم برای خدا است و فرمان مختص ذات او است ، و حاکم او است ، و سلطان و ولی و مولی او است .

بنابر این هیچکس و هیچ گروه بر کسی نمیتواند حکومت کند ، و ولایت و سلطنت ندارد مگر باذن الله ، و بحکم خدا ، و همه مردم باید

در تحت حکومت خدا باشند ، و داخل در سلطان الله و مطیع احکام
الله ، و ساکن مملکت الله .

پس حکومتهایی که من جانب الله نیستند طبق هر رژیم و برنامه‌ای
باشند باطل ، و اطاعت از آنها بالذات حرام است ، و فقط حکومت
خلفاء الهی ، و کسانی که از جانب آنها نیابت دارند شرعی و واجب
الاتباع ، و این منصب برای احدی غیر از آنها ثابت نیست .
خداوند متعال ما را بحقایق این امور هدایت فرماید :

(وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین)

(۲)

چگونه حضرت مهدی (ع) با
۳۱۳ نفر دنیا را تسخیر میکند؟

چگونه حضرت مهدی (ع)

با ۳۱۳ نفر دنیا را تسخیر میکند

سؤال :

ممکن است توضیح دهید : چگونه با جمعیت روز افزون بشر که اکنون موافق احصائیه‌های دقیق از سه میلیارد بیشتر است حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه با سیصد و سیزده نفر دنیا را تسخیر میفرماید؟ و چگونه ممکن است مثلاً سه میلیارد نفر تسلیم یک جمعیت اندک معدود شوند ، و از عادات و اخلاق ، و برنامه‌ها و سنن خود دست بردارند؟ آیا غلبه آنحضرت به طور اعجاز و خرق عادت است یا آنکه با ملاحظه اسباب و علل و عوامل ظاهری نیز غلبه و پیروزی آن جناب

ممکن است ؟

جواب :

بر حسب روایات و احادیث شریفه وقتی حضرت صاحب الامر علیه السلام ظاهر میشوند نخست میبصد و سیزده نفر از خواص اصحاب آن حضرت در مکه معظمه حاضر خدمتش میگردند و وقتی عده اصحاب و اجتماع کنندگان به ده هزار نفر رسید از مکه خارج میشوند (۱) ، و اما غلبه آنحضرت ، و حکومت جهانی اسلام ممکن است بطور اعجاز و خرق عادت انجام یابد ، و ممکن است با فراهم شدن اسباب و هلال ظاهری باشد، و ممکن است بهر دو نوع واقع شود چنانکه پیشرفت و غلبه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، و قوای اسلام به هر دو نوع بود .

اما بطور اعجاز و خرق عادت محتاج به توضیح نیست که حصول چنین غلبه مطلق برای آنحضرت بخواست خداوند امری است ممکن و معقول ، و با وعده های صریح ، و بشارت های حتمی که در قرآن مجید ، و احادیث متواتر داده شده بدون شبهه حاصل خواهد شد ، و خداوند بمصداق (کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله) آنحضرت و اصحابش و عموم بندگان شایسته خود را بر تمام ملل غالب و حاکم و وارث و مالک ارض قرار میدهد .

(۱) رجوع شود به منتخب الاثر ب ه ف ۷ ص ۴۷۵ و ۴۷۶

واز لحاظ اسباب ، وعلل ظاهری هم اگر موضوع را بررسی کنیم حصول چنین فتح و غلبه ، و تشکیل آن حکومت الهی ممکن و عملی خواهد بود زیرا آن حضرت در موقعی ظهور میکنند که اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی ، و سیاسی کاملاً مساعد باشد .

در آن موقع همه ملل از مدنیت معنوی ، و اخلاقی محروم ، و دشمنی ، و کینه و ظلم و تجاوز همه را نسبت به یکدیگر بدبین ، و از هم جدا ساخته ، و اتحاد ، و وحدت ، و همفکری ، و همکاری بکلی از میان بشر رخت بر بسته و از اینکه کسی بتواند بدون مدد غیبی جامعه را رهبری کند همه مأیوس میگردند و خلاصه همه باهم در مبارزه و جنگ و ستیز ، و همه از وضع خود ناراضی و از مکتبهای مختلف که عرضه میشود ناامید ، و منتظر تغییر رژیم ، و انقلاب و عوض شدن اوضاع ، و کنار رفتن زمامداران خداشناس ، و برداشتن مرزها و الغاء تجزیه‌ها و تقسیمها باشند .

دریک چنین موقعی حضرت صاحب الزمان ارواح العالمین له الفدا و اصحابش بانبروی ایمان ، و اخلاق حسنه ، و بانجات بخش ترین برنامه‌های عمرانی ، و اقتصادی و عدالت اجتماعی برای انقلاب و دعوت بقرآن و اسلام قدم بمیدان میگذارند ، و آن نهضت الهی ، و دعوت روحانی را شروع میکنند ، و مردم را بسوی خدا و احکام

خدا ، وزندگی برابری ، و برادری ، و عدل و امنیت ، و صفا و وفا
و راستی و درستی ، و نظم صحیح میخوانند ، و خود ، و اصحابش نمونه
همه فضایل بشری میباشند ، و با نیروی ایمان و استقامت و پشتکار و
همتی که مخصوص مؤمنان ثابت است از هدف و مقصد خود تعقیب
مینمایند .

معلوم است این جمعیت با آن برنامه‌ها و وضع کار در آن دنیای
پر آشوب و غرق در طوفانهای گرفتاریها و فشارها دلها را بخود متوجه
نموده ، و فاتح ، و پیروز و موفق میشوند ، و هیچ نیروئی در برابر آنها
مقاومت نمیکند .

و شاهد این حقیقت همان ظهور رسول اکرم ﷺ و پیشرفت
سریع دین اسلام ، و فتوحات محیر العقول مسلمین در قرن اول اسلام
است که یکی از علل ظاهری آن پیروزیهای پی در پی ، و درهم شکسته
شدن ارتش‌های انبوه دولت شاهنشاهی ایران ، و امپراطوری روم ، فساد
اوضاع اجتماعی ، و اداری ایران و روم بود که مردم این کشورهای
پهناور را برای قبول يك دعوت صحیح ، و حکومتی متکی به مبانی
عدالت و مساوات آماده کرده بود .

مردمی که در برابر دستگاه‌های دیکتاتوری ، و استبداد بسیار
خشن و غیر انسانی سلاطین و امراء خود از بنده هم‌خوارتر بودند ،

واز حقوق انسانی محروم شده بودند مردمی که به هر کس، و هر مقام نظر میکردند يك نقطه روشن در او نمیدیدند نه فرهنگ داشتند، و نه اقتصاد و نه عدالت، و نه امنیت، و نه ... و نه ...

از آنهمه تعظیم و نیایش و بشر پرستی و استعباد سلاطین، خسته شده بودند و علاوه بر اینها ناراحت کننده ترین اختلاف طبقاتی در بین آنها حاکم باشد که مملکت متشکل شده باشد از اکثریت قریب با اتفاق محروم و استضعاف شده، و جمعیت معدود برخوردار و اختیاردار، و مطلق العنان و بی جهت عزیز .

مسلم است وقتی بگوش مردم چنین مملکتی صدای روحانی و آزادی بخش (تعالو الی کلمة سواء بیننا و بینکم الانعبد الا الله الی و لا نشرك به شیئاً، و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله) برسد و آیه (ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی) و اعلان (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقیکم) و آیات دیگر را بشنوند بانهایت استقبال به آن ایمان آورده، و راه را برای پیشرفت آن باز میکنند .

مردمی که از ظلم و ستم و خودخواهی سلاطین و ستمکاران آن عهد بجان آمده بودند بطور قطع يك دعوت خدائی، و يك بانك گوش نواز توحیدی را که بر اساس عدالت و الغاء امتیازات، و مساوی

بودن آقاونو کر، وشاه ورعیت، وسیاه وسفید درابر برقانون و عدالت است قبول میکند، و از این جهت هر چه خواستند آنهائی که این دعوت بر خلاف منافعشان بود از آن جلو گیری کنند یا مردم را مانع از گرویدن بآن شوند نتوانستند، همه جا انقلاب میشد، و در همه جا رژیم ظالم و وضع سابق را محکوم میکردند، و اوضاع تغییر میکرد. اوضاع جهان برای قبول دعوت حضرت امام زمان مهدی علیه السلام که همان دعوت باسلام و قرآن است مطابق اخبار بمراتب از اوضاع عالم در زمان بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله آماده تر خواهد شد، و همان طور که کلمه اسلام در آغاز ظهور اسلام بسرعت پیشرفت کرد، و صدای توحید بر همه صداها غالب شد، و اسلامی که در مقداری از تاریخش منحصر به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی و خدیجه علیهما السلام بود با فقدان وسایل در جهاد و دفع یورش مشرکان بزودی موفق گردید، و لشگرهای منظم مسلحی را که در دنیای آنروز مجهزترین سلاحها را در دست داشتند خورد و نابود ساخت.

همین طور امام زمان علیه السلام نیز با اصحاب و یاورانش که از ابتداء کار، بتعداد مجاهدین میدان جهاد بدر میباشند میتوانند دنیای منقلب و نا آرام آنروز را آرام، و مردم را چنان امیدوار به آینده درخشان، و پراز خیر و رحمت و برکت نمایند که در سریعترین فرصت

همه‌بدین اسلام گرویده آمادگی خود را برای قبول يك سازمان الهی
و اسلامی محکم و پایدار در تحت سرپرستی امام عصر علیه السلام
نشان دهند .

«وما ذلك على الله بعزيز»

(۳)

حضرت مهدی (ع) در غیبت کبری
کجا تشریف دارند؟

حضرت مهدی علیه السلام در

غیبت کبری کجا تشریف دارند؟

سؤال :

در عصر غیبت کبری حضرت مهدی ارواحنا فداه در چه مکانی اقامت دارند؟ و چگونه زندگی مینمایند؟ خوراک، و غذا، و لباس و خوابگاه ایشان چگونه است؟ و از کجا تهیه میشود.

جواب :

باید توجه داشت که اگر در موضوع غیبت اینگونه نقاط مکتوم بماند ایجاد شك و شبهه ای نمی نماید چنانکه روشن شدن آن نیز در ثبوت و اثبات اصل غیبت مداخله ای ندارد، و وقتی غیبت شخص امام

مخفی بودن ایشان معقول و منطقی باشد ، چنانکه هست و
بآن ایمان داریم مخفی بودن این خصوصیات بطریق اولی معقول و
منطقی خواهد بود ، و جهل باین گونه امور دلیل بر هیچ مطلبی
نخواهد شد .

این پرسش ها با پرسش اینکه امام هم اکنون در چه نقطه‌ای
است ؟ یا با ما چند متر یا چند هزار کیلومتر فاصله دارد ؟ یا امروز چه
غذائی میل فرموده است ؟ یا چند ساعت استراحت کرده ، و چه مقدار
راه پیمائی نموده فرقی ندارد و بی اطلاعی ما از آن بجائی ضرر نمی زند ،
و عقیده‌ای را متزلزل نمی سازد خدائی که به حکمت بالغه و قوه قاهره
و مصلحت تامه خود امام را در پرده غیبت قرار داده است قادر است این
خصوصیات را نیز طبق مصلحت از مردم پنهان سازد .

مع ذلك برای این که از این پرسش پاسخ مختصری داده شود
عرض می کنیم بر حسب آنچه از بعض احادیث ، و حکایات معتبر استفاده
میشود امام روحی له الفسدا در غیبت کبری در مکان خاصی و در شهر
معینی استقرار دائم ندارند ، که از آن مکان و آن شهر خارج نگردند
و به محل دیگر تشریف نبرند بلکه برای انجام وظایف و تکالیفی
به مسافرت و سیر و حرکت و انتقال از مکانی به مکان دیگر میپردازند ،
و در اماکن مختلف بر حسب بعض حکایات زیارت شده‌اند و از جمله
شهرهائی که مسلم به مقدم مبارکشان مزین شده است مدینه طیبه ، و

مکه معظمه ، و نجف اشرف ، و کوفه ، و کربلا ، و کاظمین ، و سامرا ،
و مشهد ، و قم (۱) و بغداد است ، و مقامات اماکنی که آن حضرت در آن

(۱) از حکایات عجیب و صدق که در زمان ما واقع شده. این
حکایت را که در هنگام چاپ این کتاب برایم نقل شد و در آن نکات
و پندهائی است جهت مزید بصیرت خوانندگان که به خواندن این
گونه حکایات علاقه دارند در اینجا یاد داشت و ضمیمه کتاب نمودم.
چنانکه اکثر مسافرینی که از قم به طهران و از طهران به قم
می آیند ، و اهالی قم اطلاع دارند اخیراً در محلی که سابقاً بیابان و
خارج از شهر قم بود در کنار راه قم - طهران سمت راست کسیکه از
قم به طهران می رود جناب حاج یدالله رجبیان از اخیار قم مسجد مجلل
و باشکوهی بنام مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام بنا کرده است که هم
اکنون دائر شده و نماز جماعت در آن منعقد میگردد .

در شب چهارشنبه بیست و دوم ماه مبارک رجب ۱۳۹۸ مطابق
هفتم تیر ماه ۱۳۵۷ - حکایت ذیل را راجع به این مسجد شخصاً از
صاحب حکایت جناب آقای احمد عسکری کرمانشاهی که از اخیار و سالها
است در طهران متوطن است در منزل جناب آقای رجبیان با حضور
ایشان و بعض دیگر از محترمین شنیدم .

آقای عسکری نقل کرد حدود هفده سال پیش روز پنجشنبه ای
بود ، مشغول تعقیب نماز صبح بودم در زدند رفتم بیرون دیدم سه نفر

اما کن تشریف فرما شده‌اند متعدد است مانند مسجد جمکران قم ،
مسجد کوفه ، مسجد سهله ، مقام حضرت صاحب الامر در وادی السلام
نجف ، و در حله .

→ جوان که هر سه میکانیک بودند باماشین آمده‌اند گفتند تقاضا داریم
امروز روز پنجشنبه است باماهمراهی نمائید تا بمسجد جمکران مشرف
شویم دعا کنیم حاجتی شرعی داریم .

اینجانب جلسه‌ای داشتم که جوانها را در آن جمع میکردم و نماز
و قرآن می‌آموختم این سه جوان از همان جوانها بودند من از این پیشنهاد
خجالت کشیدم سرم را پائین انداختم و گفتم من چکاره‌ام بیایم دعا
کنم بالاخره اصرار کردند من هم دیدم نباید آنها را رد کنم موافقت
کردم سوار شدم و به سوی قم حرکت کردیم .

در جاده تهران (نزدیک قسم) ساختمانهای فعلی نبود فقط
دست چپ يك کاروانسرا خرابه بنام قهوه خانه علی سیاه بود چند
قدم بالاتر از همین جا که فعلا (حاج آقا رجیبان) مسجدی بنام
مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام بنا کرده است ماشین خاموش
شد .

رفقا که هر سه میکانیک بودند پیاده شدند سه نفری کاپوت ماشین
را بالا زدند و بان مشغول شدند من از یکنفر آنها بنام علی آقا يك لیوان
آب گرفتم برای قضاء حاجت و تطهیر رفتم بروم توی زمینهای مسجد ←

و بعید نیست که اقامتگاه اصلی ایشان یا اماکنی که بیشتر آمد
و شدشان در آنجاها است مکه معظمه و مدینه طیبه ، و عتبات مقدسه
باشد .

→ فعلی دیدم سیدی بسیار زیبا و سفید ابروهایش کشیده دندانهایش سفید
و خالی بر صورت مبارکش بود با لباس سفید ، و عبای نازک و نعلین
زرد و عمامه سبز مثل عمامه خراسانیها ایستاده و با نیزه‌ای که بقدر هشت نه متر
بلند است زمین را خط کشی مینماید . گفتم اول صبح آمده است اینجا
جلو جاده دوست و دشمن می آیند رد میشوند نیزه دستش گرفته است .
(آقای عسکری در حالیکه از این سخنان خود پشیمان و عذرخواهی
میکرد گفت) گفتم عمو زمان تانک و توپ واتم است نیزه را آورده‌ای
چکنی برو درست را بخوان رفتم برای قضاء حاجت نشستم صدا زد
آقای عسکری آنجا ننشین اینجا را من خط کشیده‌ام مسجد است .
من متوجه نشدم که از کجا مرا میشناسد مانند بچه‌ای که از بزرگتر
اطاعت کند گفتم چشم پاشدم فرمود برو پشت آن بلندی رفتم آنجا
پیش خود گفتم سرسئوال با او را باز کنم بگویم آقا جان سید فرزند
پیغمبر برو درست را بخوان سه سئوال پیش خود طرح کردم .
۱- این مسجد را برای جن میسازی یا ملئکه که دو فرسخ از
قم آمده‌ای بیرون زیر آفتاب نقشه میکشی درس نخوانده معمار شده‌ای . ←

اگر پرسش شود : پس حضرت امام زمان هجرت الله تعالی فرجه
با کوه رضوی و ذی طوی چه ارتباطی دارند که در دعاء ندبه است

→ ۲- هنوز مسجد نشده چرا در آن قضاء حاجت نکنم .

۳- در این مسجد که میسازی جن نماز میخواند یا ملئکه ؟

این پرسش ها را پیش خود طرح کردم آمدم جلوسلام کردم
بار اول او ابتداء به سلام کرد نیزه را بزمین فرو برد و مرا بسینه گرفت
دست هایش سفید و نرم بود چون این فکر را هم کرده بودم که با او مزاح
کنم چنانکه در طهران هر وقت سیدی شلوغ میکرد میگفتم مگر روز
چهارشنبه است عرض کنم روز چهارشنبه نیست پنجشنبه است آمده ای
میان آفتاب بدون اینکه عرض کنم .

تبسم کرد فرمود پنجشنبه است چهارشنبه نیست و فرمود سه
سوالی را که داری بگو به بینم من متوجه نشدم که قبل از اینکه سوال
کنم از ما فی الضمیر من اطلاع داد گفتم سید فرزند پیغمبر درس راول
کرده ای اول صبح آمده ای کنار جاده نمیگوئی این زمان تانک و توپ
نیزه بدرد نمیخورد و دوست و دشمن می آیند رد میشوند برودرست
را بخوان ؟

نخندید چشمش را انداخت بزمین فرمود دارم نقشه مسجد میکشم
گفتم برای جن یا ملئکه ؟ فرمود برای آدمیزاد اینجا آبادی میشود .
گفتم بفرمائید به بینم اینجا که میخواستم قضاء حاجت کنم هنوز
مسجد نشده است ؟ فرمود یکی از عزیزان فاطمه زهراء علیها السلام ←

لیت شعری این استقرت بك النوی بل ای ارض تقلک او ثری
ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی

پاسخ داده میشود راجع باین موضوع در کتاب فروغ ولایت

→ در اینجا بر زمین افتاده و شهید شده است من مربع مستطیل خط کشیده ام
اینجا میشود محراب این جا که می بینی قطرات خون است که مؤمین
می ایستند اینجا که می بینی مستراح میشود، و اینجا دشمنان خدا و رسول
به خاک افتاده اند همینطور که ایستاده بود برگشت و مراهم برگرداند
فرمود اینجا میشود حسینیه و اشک از چشمانش جاری شد من هم بی اختیار
گریه کردم.

فرمود پشت اینجا میشود کتابخانه تو کتابهایش را میدهی؟
گفتم پسر پیغمبر به سه شرط اول اینکه من زنده باشم فرمود انشاء الله
شرط دوم اینست که اینجا مسجد شود فرمود بارک الله. شرط سوم اینست که بقدر
استطاعت ولو يك کتاب شده برای اجراء امرتو پسر پیغمبر بیاورم
ولی خواهش میکنم برو درست را بخوان آقا جان این هوا را از صورت
دور کن.

خندید دو مرتبه مرا بسینه خود گرفت گفتم آخر نفرمودید اینجا
را کی میسازد؟ فرمود: یدالله فوق ایدیهم.

گفتم: آقا جان من اینقدر درس خوانده ام یعنی دست خدا بالای
همه دستهاست فرمود آخر کار می بینی وقتی ساخته شد بسازنده اش ←

ص ۴۰-۳۴ توضیح داده ایم در اینجا هم بطور مختصر اشاره می‌نمائیم که این دو مکان بر حسب کتب معاجم و تواریخ نیز از اماکن مقدسه است ، و محتمل است که حضرت بعض اوقات شریفه خود را در این

→ از قول من سلام برسان دو مرتبه دیگر هم مرا بسینه گرفت فرمود خدا خیرت بدهد .

من آمدم رسیدم سر جاده دیدم ماشین راه افتاده گفتم چطور شد گفتند يك چوب کبریت گذاشتیم زیر این سیم وقتی آمدی درست شد گفتند با کی زیر آفتاب حرف میزدی گفتم مگر سید باین بزرگی را بانیزه ده متری که دستش بود ندیدید . من با او حرف میزدم گفتند کدام سید خودم برگشتم دیدم سید نیست زمین مثل کف دست پستی و بلندی نبود هیچ کس نبود .

من يك تکانی خوردم آمدم توی ماشین نشستم دیگر با آنها حرف نزدیم حرم مشرف شدیم نمی‌دانم چطوری نماز ظهر و عصر را خواندم بالاخره آمدیم جمکران ناهار خوردیم نماز خواندم گنج بودم رفقا با من حرف میزدند من نمی‌توانستم جوابشان را بدهم .

در مسجد جمکران يك پیر مرد يك طرف من نشسته و يك جوان طرف دیگر منهم وسط ناله می‌کردم گریه می‌کردم نماز مسجد جمکران را خواندم میخواستم بعد از نماز به سجده بروم صلوات را بخوانم دیدم آقائی سید که بوی عطر میداد فرمود آقای عسکری سلام ←

دو مکان به عبادت و خلوت گذرانده باشند ، و این جمله هیچ دلالتی بر این که این دو مکان یا یکی از آنها اقامتگاه دائمی آن حضرت است ندارد .

→ علیکم نشست پهلوی من .

تن صدایش همان تن صدای سید صبحی بود به من نصیحتی فرمود رفتم به سجده ذکر صلوات را گفتم دلم پیش آن آقا بود سرم به سجده گفتم سر بلند کنم پرسم شما اهل کجاستید مرا از کجا میشناسید وقتی سر بلند کردم دیدم آقا نیست .

بپرمرد گفتم این آقا که با من حرف میزد کجا رفت او را ندیدی ؟ گفت نه از جوان پرسیدم او هم گفت ندیدم يك دفعه مثل این که زمین لرزه شد تکان خوردم فهمیدم که حضرت مهدی عج بوده است حال من بهم خورد رفقا مرا بردند آب به سر و رویم ریختند گفتند چه شده خلاصه نماز را خواندیم به سرعت بسوی طهران برگشتیم .

مرحوم حاج شیخ جواد خراسانی را لدی الورود در تهران ملاقات کردم و ماجری را برای ایشان تعریف کردم و خصوصیات را از من پرسید گفت خود حضرت بوده اند حالا صبر کن اگر آنجا مسجد شد درست است .

مدتی قبل روزی یکی از دوستان پدرش فوت کرده ←

چنانکه در کتاب فروغ ولایت شرح داده‌ام این استفهامها استفهام حقیقی نیست بلکه بداعی بیان سوز هجران و اظهار تاسف و تلهف از فراق و حرمان از فیض حضور و تأخیر عصر ظهور است علاوه بر اینکه

→ بود باتفاق رفقاء مسجدی او را آوردیم قم به همان محل که رسیدیم دیدم دو پایه بالا رفته است خیلی بلند پرسیدم گفتند این مسجدی است بنام امام حسن مجتبی علیه السلام پسرهای حاج حسین آقا سوهانی میسازند و اشتباه گفتند .

وارد قم شدیم جنازه را بردیم باغ بهشت دفن کردیم من ناراحت بودم سراز پا نمی شناختم بر فقا گفتم تا شما میروید ناهار میخورید من الان می‌آیم تا کسی سوار شدم رفتم سوهان فروشی پسرهای حاج حسین آقا پیاده شدم پسر حاج حسین آقا گفتم اینجا شما مسجد میسازید ؟ گفت نه گفتم این مسجد را کی میسازد ؟

گفت حاج یدالله رجبیان تا گفتم یدالله قلبم بزدن افتاد گفت آقا چه شد، صندلی گذاشت نشستیم خیس عرق شدم با خود گفتم یدالله فوق ایدیهم فهمیدم حاج یدالله است ایشانرا هم تا آن موقع ندیده و نمی شناختم برگشتم بطهران به مرحوم حاج شیخ جواد گفتم .

فرمود برو سراغش درست است من بعد از آنکه چهار صد جلد ←

بعض عبارات دعاء شریف ندبه دلالت دارد بر این که ایشان در بین مردم می‌باشند و از بین مردم خارج نمی‌باشند مثل این جمله (بنفسی

→ کتاب خریداری کردم رفتم قم آدرس محل کار (پشمبافی) حاج‌یدالله را معلوم کردم رفتم کارخانه از نگهبان پرسیدم گفت حاجی رفت منزل گفتم استدعا میکنم تلفن کنید بگوئید یکنفر از طهران آمده باشما کار دارد تلفن کرد حاجی گوشی را برداشت من سلام عرض کردم گفتم از طهران آمده‌ام چهار صد جلد کتاب وقف این مسجد کرده‌ام کجا بیاورم .

فرمود شما از کجا اینکار را کردید و چه آشنائی با ما دارید
گفتم حاج آقا چهار صد جلد کتاب وقف کرده‌ام گفت باید بگوئید مال چیست ؟.

گفتم پشت تلفن نمی‌شود ، گفت شب جمعه آینده منتظر هستم
کتابها را بیاورید منزل چهارراه شاه کوچه سرگرد شکراللهی دست
چپ در سوم .

رفتم طهران کتابها را بسته بندی کردم روز پنجشنبه با ماشین یکی از دوستان آوردم قم منزل حاج آقا ایشان گفت من اینطور قبول نمی‌کنم جریان را بگو بالاخره جریان را گفتم و کتابها را تقدیم کردم
رفتم در مسجد هم دو رکعت نماز حضرت خواندم و گریه کردم.
مسجد و حسینیه را طبق نقشه‌ای که حضرت کشیده بودند حاج ←

انت من مغیب لم یخل منا بنفسی انت من نازح لم ینزح (ما نزح)
هنا) .

اگر کسی سؤال کند پس این که در بعض زبانها است و مخصوصاً

→ یدالله بمن نشان داده و گفت خدا خیرت بدهد تو بعهدت وفا کردی
این بود حکایت مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام که تقریباً بطور اختصار
و خلاصه گیری نقل شد علاوه بر این حکایت جالبی نیز آقای رجیبان نقل
کردند که آنرا نیز مختصراً نقل مینمائیم .

آقای رجیبان گفتند شب های جمعه حسب المعمول حساب و مزد
کارگرهای مسجد را مرتب کرده و وجوهی که باید پرداخت شود
پرداخت میشد شب جمعه ای استاد اکبر بناء مسجد برای حساب و
گرفتن مزد کارگرها آمده بود گفت امروز بکنفر آقا (سید) تشریف
آوردند در ساختمان مسجد ، و این پنجاه تومان را برای مسجد
دادند .

من عرض کردم بانی مسجد از کسی پول نمی گیرد با تندی بمن
فرمود می گویم بگیر این را میگیرد من پنجاه تومان را گرفتم روی
آن نوشته بود برای مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام .

دو سه روز بعد صبح زود زنی مراجعه کرد ، و وضع تنگدستی
و حاجت خودش و دو طفل یتیمش را شرح داد من دست کردم در
جیب هایم پول موجود نداشتم غفلت کردم که از اهل منزل بگیرم

بعض علماء اهل سنت آنرا بازگو میکنند ، و گاهی آن را يك ماده حمله
و جسارت به شیعه قرار می دهند که حضرت صاحب الامر علیه السلام را در سرداب
سامراء مخفی میدانند چه مصدري دارد ؟

→ آن پنجاه تومان مسجد را باو دادم ، و گفتم بعد خودم خرج می کنم
و بان زن آدرس دادم که بیاید تا باو کمک کنم .
زن پول را گرفت و رفت ، و دیگر هم با اینکه باو آدرس داده
بودم مراجعه نکرد ولی من متوجه شدم که نباید پول را داده باشم و
پشیمان شدم .

تاجمه دیگر استاد اکبر برای حساب آمد گفت این هفته من
از شما تقاضائی دارم اگر قول می دهید که قبول کنید تقاضا کنم گفتم
بگوئید گفت در صورتی که قول بدهید قبول میکنید میگویم گفتم آقای
استاد اکبر اگر بتوانم از عهده اش بر آیم گفت می توانی گفتم بگو
گفت تا نگوئی نمیگویم از من اصرار که بگو از او اصرار که قول بده
تا من بگویم .

آخر گفتم بگو می کنم وقتی قول گرفت گفت آن پنجاه تومان
که آقا دادند برای مسجد بده به خودم گفتم آقای استاد اکبر داغ مرا
تازه کردی چون بعداً از دادن پنجاه تومان به آن زن پشیمان شده بودم ،
و تا دو سال بعد هم هر اسکناس پنجاه تومانی بدستم میرسید نگاه میکردم
شاید آن اسکناس باشد .

←

جواب داده می‌شود که جز جهل بعض اهل سنت و غرض و خیانت بعض دیگر که شیعه اهل بیت (ع) را متهم می‌سازند، و از دروغ پردازی و تهمت و افترا کوتاهی نمی‌کنند هیچ‌گونه مصدری

→ گفتم آن شب مختصر گفتمی حال خوب تعریف کن بدانم گفت بلی حدود سه ونیم بعد از ظهر هوا خیلی گرم بود در آن بحران گرما مشغول کار بودم دوسه نفر کارگر هم داشتم ناگهان دیدم يك آقائی از یکی از درهای مسجد وارد شد با قیافه نورانی جذاب با صلابت آثار بزرگی و بزرگواری از او نمایان است وارد شدند دست و دل من دیگر دنبال کار نمی‌رفت هی می‌خواهم آقا راتماشا کنم .

آقا آمدند اطراف شبستان قدم زدند تشریف آوردند جلو تخته‌ای که من بالایش کار می‌کردم دست کردند زیر عبا پولی در آوردند فرمودند : اسناد این را بگیر بده به بانی مسجد .

من عرض کردم آقا بانی مسجد پول از کسی نمی‌گیرد شاید این پول را از شما بگیرم ، و اونگیرد ، و ناراحت شود اما تقریباً تغییر کردند فرمودند بتو می‌گوییم بگیر اینرا می‌گیرد من فوراً با دست‌های گچ آلوده پول را از آقا گرفتم آقا تشریف بردند بیرون .

من گفتم این آقا کجا بود در این هوای گرم یکی از کارگرا را بنام مهدی علی صدا زدم گفتم برو دنبال این آقا به بین کجا می‌روند باکی و باچه وسیله‌ای آمده بودند مهدی علی رفت چهار دقیقه شد ←

ندارد ، و تمام اخبار و احادیث و حکایات این موضوع را که امام علیه السلام در سرداب سامراء مخفی می بافند مردمی نمایند ، و در کتاب منتخب الاثر و نوید امن و امان نیز کذب این افترا ثابت شده است و در اخبار و

→ پنج دقیقه شد ده دقیقه شد مشهدی علی نیامد خیلی حواسم پرت شده بود مشهدی علی را صدا زدم پشت دیوار ستون مسجد بود گفتم چرا نمی آئی ؟

گفت ایستاده ام آقا را تماشا می کنم گفتم بیا وقتی آمد گفتم آقا سرشان را زیر انداختند و رفتند گفتم با چه وسیله ای ؟ ماشین بود ؟ گفت نه آقا هیچ وسیله ای نداشتند سر بزیر انداختند و تشریف بردند گفتم تو چرا ایستاده بودی گفت ایستاده بودم آقا را تماشا می کردم . آقای رجیبیان گفت این جریان این پنجاه تومان بود ولی باور کنید که این پنجاه تومان يك اثری روی کار مسجد گذارد خود من امید اینکه این مسجد به این گونه بنا شود ، خودم به تنهایی به اینجا برسانم نداشتم از موقعی که این پنجاه تومان بدستم رسید روی کار مسجد ، و روی کار خود من اثر گذاشت . (پایان حکایت)

نگارنده گوید : اگرچه متن این حکایت ها بر معرفی آنحضرت غیر از اطمینان صاحب حکایت باینکه سید معظمی که نقشه مسجد را می کشید ، و در مسجد جمکران با او سخن فرمود شخص آن حضرت بوده است دلالت ظاهر دیگر ندارد اما چنانکه محدث نوری در باب ←

احادیث حتی خبر رشیق خادم معتضد عباسی اسمی از سرداب نیست. فقط در يك روايتی که بر حسب آن، خانه آنحضرت بار دیگر مورد حمله سپاهیان دولتی قرار گرفت از سرداب صدای قرائت شنیدند اسمی از سرداب برده شده است و طبق این روایت هم امام عليه السلام در حالیکه فرمانده نظامیان با سربازانشان در سرداب را گرفته بودند حضرت از سرداب بیرون آمدند و تشریف بردند .

پس از آنکه سربازها همه رسیدند فرمانده فرمان ورود به سرداب داد سربازهایی که دیده بودند آنحضرت بیرون آمدند گفتند مگر آنکس نبود که بیرون رفت و بر تو عبور کرد گفت او را ندیدم چرا او راها کردید؟ گفتند ما گمان میکردیم تو او را می بینی .

→ نهم کتاب شریف نجم الثاقب شرح داده است وقوع اینگونه مکاشفات و دیدارها برای شیعیان آن حضرت حداقل از شواهد صحت مذهب، و عنایات بواسطه یابلا واسطه آنحضرت به شیعه است، وبالخصوص که مؤید است به حکایات دیگر که متن آنها دلالت بر معرفی آن حضرت دارد بعضی از آن حکایات هادر همین عصر خود ما واقع شده است، و به یاری خداوند متعال در کتاب جدیدی که مخصوص تشریفهای معاصرین است در اختیار شیعیان و ارادتمندان آن غوث زمان و قطب جهان ارواحنا فداه قرار خواهد گرفت انشاء الله تعالی - و ما توفیقی الا بالله .

حاصل اینکه موضوع مختلفی بودن آنحضرت در سرداب یکی از دروغهای بزرگی است که به شیعه بسته اند ولی قابل انکار نیست که خانه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام سالها در غیبت صفری مقر آنحضرت بوده است ، و بعضی خلفاهم میدانستند .

ولذا در روایت رشیق خادم است که معتضد نشانی های خانه و خادمی را که بردار ایستاده است بر شیق داد .

چنانکه از بعضی حکایات و تواریخ استفاده میشود معتمد خلیفه و راضی بلکه احتمالاً مقتدر نیز از جریان امور کم و بیش مطلع بوده اند و امام علیه السلام و نواب او را می شناختند و بعد هم از خلفاء دیگر که در عصر غیبت کبری بوده اند ناصر خلیفه که از اعظام و علماء خلفاء بنی عباس است عارف به آنحضرت بوده است و دری که هم اکنون بر صفا سرداب است و از آثار باستانی و نقایس اشیاء عتیقه است در عصر او و بامر او ساخته شده است .

باین جهات که خانه و سرداب از بیوت مقدمه است و بدون شك و شبهه محل عبادت و مقر و منزلگاه سه نفر از ائمه بزرگ اهل بیت (ع) است از آغاز مورد نظر شیعیان و دوستان و حتی خلیفه ای مثل ناصر بوده و عبادت و اطاعت خدا را در آن اماکن شریفه مغتنم می شمردند ، و از مصادیق مسلم (فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصال) میدانستند .

و ما هم امروز بر اساس همین ملاحظات این اماکن رفیعہ را احترام میکنیم و عبادت در آن اماکن را فوز عظیم می‌شماریم و آرزو مند زیارت سرداب و نماز و عبادت در آنجا می‌باشیم .

اما پاسخ از این پرسش که به لباس و غذا و خوابگاه ایشان چگونه است :

آنچه مسلم است این است که در امور و کارهای عادی حضرت ملتزم به توجیہات و تکالیف شرعی می‌باشند ، و آداب و برنامہ های واجبه و مستحبہ این کارها را مو بمو رعایت مینمایند ، و محرمات و مکروهات را ترك می‌فرمایند .

بلکہ در مورد مباحات نیز ترك و فعل ایشان بر اساس دواعی عالی و مقدس است ، و برای دواعی نفسانی کاری از آن حضرت اگر چه فائده آن جسمانی و اشباع غرائز جسمی باشد صادر نمیشود ، و بعبارت دیگر هر يك از اعمال و افعال آن حضرت وسیله است نه هدف .

و اما این که امور و معاش و تهیه غذا و پوشاک برای امام عليه السلام در عصر غیبت بطور عادی است یا بنحو اعجاز ؟ جوابش اینست بطور عادی بودن این امور امکان دارد و مانعی ندارد چنان که بر حسب بعض حکایات در بعض موارد نیز بنحو اعجاز جریان یافته است .

در صورتی که خداوند متعال مریم مادر عیسی علی نبینا و آله

و (ع) را مخصوص بعنایت خود قرار دهد و از عالم غیب او را روزی دهد چنان که قرآن مجید صریحاً می فرماید (كلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقاً قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب) استبعادی ندارد که وصی اوصیاء و خاتم اولیا ، و وارث انبیاء را از خزانه غیب خود رزق و روزی دهد و تمام وسایل معاش او را بهر نوع سزاوار مصلحت باشد فراهم سازد .

«ان الله علی کل شیء قذیر»

(۴)

اعمال ووظایف حضرت مهدی (ع)

درعصر غیبت

اعمال ووظایف حضرت مهدی (ع)

در عصر غیبت

سوال :

امام علیه السلام در غیبت کبری چه مسئولیت‌هایی را عهده دار ، و بچه کارها و اعمالی اشتغال دارند ؟ و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی میگذرانند ؟ و در برابر جوامع ، و افراد، و شیعیان چه برنامه‌ای را اجرا می‌نمایند ؟

جواب :

در غیبت کبری کارها و مشاغل و مسئولیت‌های امام علیه السلام بسیار حساس و مهم است ، و اگر چه تصرف و بسط ید و حکومت ظاهری

بر اوضاع ندارند ، و رتق وفتق امور را دیگران در اختیار گرفته ، و نظام حکم و اداره را بخود اختصاص داده ، و بندگان خدا را استضعاف و استعباد می کنند مع ذلك امام عليه السلام ناظر بر اوضاع میباشند ، و هدایت هائی دارند و تصرفاتی می نمایند .

و بالجمله شئون امامت و رهبری ، و زعامت را در حدود امکان متصدی شده و وظایف خود را بنحو احسن و اکمل انجام می دهند و خلاصه عمر طولانی ایشان در اطاعت خدا می گذرد هم تکالیف فردی خویش را انجام می دهند و هم بر حسب حکایات متواتره تکالیف اجتماعی را آنچه مقتضی و مصلحت باشد انجام می دهند مانند هدایت اشخاص و یاری دادن مؤمنین بر مخالفین در بحث و احتجاج ، و حل مسائل مشکل ، و نصیحت و موعظه افراد ، و شفاء امراض و هدایت گم شدگان و رساندن آنها بمقصد ، و تعلیم ادعیه ، و کمک مالی به نیازمندان ، و فریاد رسمی گرفتاران و درماندگان و زندانیان و یاری بیچارگان که بیشتر این اعمال در ضمن ظهور معجزات از آن حضرت صادر شده است . (۱)

بنظر اینجانب یکی از اموری که نشانه تصرف آن حضرت در قلوب و توجه نفس قدسی و اثر عنایت ایشان است همین بقاء

(۱) رجوع شویبه دارالسلام عراقی ، و نجم الثاقب و جنة الماوی

و هبقری الحسان ، و بحار و غیره .

سازمان رهبری و تشکیلات علمی و تبلیغی شیعه، و فعالیتهای حوزه‌های علوم دینی و تالیف کتابها، و مجالس تبلیغ و استمرار رشته اجتهاد و استنباط احکام و تاییداتی است که علی‌الدوام علماء و فقهاء از آن برخوردارند که در واقع اگرچه رسماً حکومت از فقهاء که از جانب امام علیه السلام حکام شرعی میباشند غصب شده است مع ذلك حکومت آنها بر قلوب باقی است، و مواد اطاعت اختیاری جامعه شیعه از علماء بمراتب بیشتر از مواد اطاعت اجباری آنها از رژیم است که در هر منطقه و ناحیه برقرار است و از راه ناچاری از آن اطاعت می‌نمایند.

اگر با دقت ملاحظه شود رژیم رهبری امام علیه السلام بواسطه علماء در سرتاسر زمین در هر نقطه‌ای که یکنفر شیعه باشد مورد قبول و احترام است و حاکم همه شخص حاکم الهی یعنی حضرت صاحب الزمان علیه السلام میباشد.

مسئله اینست که تأسیسات رهبری شیعه که با يك تعبیر بسیار کوتاه و غیر جامع و نارسا در زمان ما آنرا روحانیت و جامعه روحانیت می‌گویند با تمام موانعی که از آغاز عصر غیبت کبری تا حال برای بقاء و عرض وجود و اجراء برنامه‌ها و مداخله در کارها و امر بمعروف و نهی از منکر و مبارزات ایجابی و سلبی، و تربیت علماء و هدایت جوامع شیعه داشته

است در هر عصر و زمان بعنوان قوی‌ترین بنیاد و ظائف بزرگی را انجام داده ، و حافظ شیعه از انقراض بوده و هست .

هیچ جمعیتی و هیئتی مثل جامعه روحانیت هدف تیرهای خطرناک بیگانگان داخلی و خارجی نبوده و نیست ، فرق مختلف و اقلیت‌هایی که بیگانگان آنها را بوجود آورده یا فعلا بمزدوری و خیانت گرفته‌اند با روحانیت سخت دشمن هستند و از زدن هر ضربت کشنده‌ای باین جامعه خودداری ندارند ، و حتی باتهمت و بهتان و افترا می‌کوشند اذهان عوام و جوانان را نسبت به آنان مشوب و ایمان مردم را به آنها ضعیف سازند .

تبشیر و استعمار و الحاد و کمونیسم و مکتب‌های مختلف همه با این طبقه بشدت وارد پیکار هستند و تمام امکانات مادی و قوایی را که دارند در این پیکار وارد کرده‌اند، و چه پول‌های گزاف و چه مبالغی سرسام‌آور در راه ازپادر آوردن روحانیت، و تزلزل آن صرف میشود بیش از حد تصور است .

فقط گاهی آمارهایی که از دستشان در میرود و منتشر میشود به ما نشان میدهد که بیگانگان خصوص حکومت‌های آنها تا چه حد از اسلام و نفوذ علماء اسلام در قلوب مردم نگران هستند ، و آن را ضد منافع خود و مانع از استیلاء آنان بر مسلمانان و معادن و ذخائر آنها می‌دانند .

از یکسو زورمندان و طبقه حاکمه که همواره می‌خواسته‌اند بشکل يك واحد ممتاز انسانها را استعباد نمایند و حکومت فردی داشته باشند ، و از دیگران حق اظهار رأی و حقوق انسانی دیگر را سلب نمایند ، و مردم را پرستش و نیایش خود و اظهار کوچکی و تملق‌هایی که ننگ انسانیت است و ادار نمایند این طبقه را برای این مقاصد کثیف خطر می‌دانستند و برای محو آنها و بی‌ثمر ساختن تبلیغات و اعتراضات آنها فعالانه کوشش میکردند و حتی اگر می‌توانستند اشتباه کاری کنند افرادی را می‌ساختند ، و تحت عناوین و القابی در برابر جامعه روحانیت با اسم عالم و روحانی معرفی میکنند .

این اقویا و حکومت‌ها از ظهور مفاهیم اسلامی و روشن شدن حقایق قرآن سخت بیمناسا کند زیرا آنجا که قرآن است و آنجا که اسلام است ، و آنجا که ندای برابری و مساوات ان اکرمکم عند الله اتقیکم بلند است ، و آنجا که بانك « ولقد ارسلنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت » شب و روز بگوشها میرسد برای حکومت فردی و این تشریفات و پرستش‌ها و فردپرستی‌ها ، و این امتیازات ، و این همه فاصله‌ها و جدائیها جایی و حسابی نیست .

و این روحانیت است که رساندن و ابلاغ این نداها و پیاده کردن این برنامه‌ها را بعهده گرفته است .

از جانب دیگر می‌بینیم روحانیت شیعه چون باصطلاح امروز

دولتی نیست یعنی در نظامات غیر اسلامی که متأسفانه در همه نقاط دنیا مسلط هستند نمی‌تواند خود را ادغام کند که از آنها حقوق و بودجه بگیرد و مجری برنامه‌های خاص و معین شده باشد .

اگرچه در نظام اسلامی همه چیز تحت نظر حکومت و نظام اسلام است و رهبر اسلام بر همه امور نظارت دارد و حسن جریان تمام رشته‌ها را باید کنترل کند و اداره نماید که از جمله رشته تبلیغات و ارشادات و علوم اسلامی ، و گسترش دادن در بین تمام مردم است بطوری که همه و همه در مسائل اسلامی وارد باشند ، و محققان عالیقدر بتوانند به تحقیق و بررسی مشغول باشند .

اکنون که رسماً نظام اسلام حاکم نیست و نفوذ اسلام و برنامه‌های آن در نفوس باقی است روحانیت و بعبارت دیگر رواة احادیث اهل بیت (ع) بصورت صنف خاص شکل گرفته است و در حقیقت از نظر یکنفر شیعه متوجه و آگاه روحانیت همان نقش هیئت حاکمه را که باید ناظر بر اوضاع و تربیت و تعلیم و حسن جریان تمام امور باشد اجرا مینماید ولی هر وقت نظام اسلامی رسماً در تمام دنیا یا در یک جامعه پیاده شود ، روحانیت باین شکل فعلی باقی نخواهد ماند که ما در این مقاله در مقام تفصیل و شرح این بحث نیستیم .

مقصود اینست که روحانیت از جنبه بودجه و قوه و نظام مالی نظامی که نیروی انتظامی و قوه مجریه رسمی آنرا اجرا نمایندارد ،

و این خود مردم هستند که با کمال اختیار ، و بدون این که تحت فشار مطالبه مأمور و بازپرس و بازرس و اداره تشخیص مالیاتها و ادارات وصول ، و جرائم باشند وجوه شرعی خود را تمام و کمال بدون این که یکشاهی کمتر بدهند بانهایت خلوص نیت و با افتخار ادامیکنند.

و عجیب اینست که تبلیغات ضد پرداخت وجوه شرعی به علماء و مراجع از نواحی مختلف با زبان و قلم در سطحهای گوناگون و بعنوانین بسیار و بطور گسترده ادامه دارد مع ذلك تأثیری نمی کند و توجه مردم پرداخت این وجوه و تقویت بنیه مالی دستگاه رهبری تشیع هر روز بیشتر میشود .

آری دشمنان میدانند که یکی از راههای مؤثر از کار انداختن روحانیت و تعطیل حوزهها ، و جلوگیری از نشر معارف اسلام و تربیت علما و محققین روحانیت یا استخدام کردن و دستگامی و دولتی کردن افراد روحانی تضعیف بنیه مالی اسلام میباشد از این جهت با حملات لسانی و قلمی و عملی و تهمت و افترا و انتشارات فریبنده میکوشند سازمان رهبری اسلام و مراکز فکری و تحقیقی و ثقل روحانیت را نیازمند سازند ، و همکارهای مالی مردم را قطع کنند ولی آنچه ملاحظه میکنیم هر چه با وسائل مختلف سمعی و بصری تبلیغی که در دست دارند مردم را بیشتر از پرداخت وجوه شرعی و سهم مبارك امام علیه السلام که پر برکت ترین و مقدس ترین وجوه است باز میدارند .

رغبت مردم به پرداخت وجوه بیشتر میشود ، و روز بروز وضع مالی حوزه‌های علمیه ، و خدمات مالی به مبلغین محکمت‌ر و زیاده‌تر میشود .

چرا؟ برای اینکه خدا می‌فرماید (یریدون لیطفثو انور الله بافوا همم والله متم نوره ولو کره الکافرون) (۱) .

چرا؟ برای اینکه قلوب در تحت تصرف ولایتی امام علیه السلام قرار دارد (۲) ، و هر چه دشمنان بخواهند با تمهیدات و نقشه‌ها قلوب را از علما و نواب امام علیه السلام منصرف سازند نمیتوانند .

باید این چراغ روشن بماند ، و حجت‌های امام علیه السلام در بین مردم باقی بمانند ، و همانطور که خدا زمین و خلاق را بدون حجت نخواهد گذارد امام علیه السلام نیز مردم و شیعیان را بدون حجت از جانب خود نخواهد گذاشت ، و این رشته نیابت و هدایت و حکومت از جانب امام علیه السلام همانطور که از آغاز و از عصر غیبت کبری تا حال منقطع نشده تا زمان ظهور آن حضرت منقطع نخواهد شد (لئلا یکون للناس علی الله حجة) .

۱- سوره صف آیه ۸ .

۲- بسیاری بوسیله خواب ارشاد شده‌اند که حتی تعیین بدهی آنها در خواب شده و بعد که رسیدگی کرده‌اند مطابق مبلغ تعیین شده بود نه کم‌تر و نه زیاده‌تر ، و از خواب‌های عجیب که دلیل بر عنایات حضرت به جامعه روحانیت است و اینکه این جامعه چند و سپاه آن حضرت میباشد خواب صادق و عجیب آقای حاج ابوالقاسم کوپائی اصفهانی است .

حاصل اینکه امام علیه السلام در عصر غیبت در امور نظارت دارند و بطور مطلق از کارها کناره گیری ندارند .

اگر گفته شود : حال که چنین است اگر چه ظهور کلی حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه متوقف بر حصول شرایط و مقدمات و اذن خداوند متعال است ولی اگر این گونه مداخلات و توجیحات و مقابلات، و تشرف دادن اشخاص بسعدت لقاء و شرفیابی به حضور آنحضرت بیشتر باشد که يك ظهور جزئی همیشه در بین باشد اصلاحات مهمه انجام خواهد شد ، و بسیار از مصالح تأمین و مفاسد زیادی دفع میگردد .

مثلاً اگر آنحضرت با علماء و زعماء بنحوی که او را شناسند ، و بعد بشناسند دیداری کند ، و آنها را راهنمایی بنماید جریان امور مستقیم میشود .

پس چرا چنین برنامه‌ای نیست البته خود آن حضرت دانایانتر بوظایف خود هستند ، و آنچه را وظیفه دارند و بمقداری که مصلحت باشد این کارها را انجام میدهند و یقیناً بهر نحو عمل فرمایند همان عین وظیفه و مصلحت است .

جواب عرض می‌شود که سخن تمام همین است که گفته آید : وظایف و تکالیف حضرت بیشتر از آنچه انجام می‌دهند نیست و آن حضرت عالم بمصالح و موارد هستند ، و در حدودی که مصلحت باشد و بنظام غیبت و تربیت امت ، و آماده ساختن آنها برای ظهور کلی خلل

وارد نشود اقدام می فرمایند .

و اگر بنا باشد که امور تحت نظر مستقیم ایشان قرار بگیرد و استناد علماء و خواص و بلکه عوام در اعمال و اقدامات بر راهنماییهای شخصی و خاص ایشان باشد یکباب دیگر باز میشود و نظام دین و نظامی که در عصر غیبت کبری در نظر گرفته شده است اختلال می یابد و برای هر لقاء و دیدار و استنادی خرق عادت و ظهور معجزه لازم می گردد و غیبت کبری از غیبت صغری هم کوچکتر میشود .

بنابر این برنامه و نظام غیبت کبری همین نظامی است که اجرا میشود و از پیش معین شده است و بیش از این سخن را در این بحث اطلاع نمیدهیم و باین بیانات بلاغت نظام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کلام را تمام میکنیم :

«فلا تستعجلوا ما هو کائن مرصد ، ولا تستبسطوا ما یجیء به الغد
فکم من مستعجل بما ان ادركه و دانه لم یدر که و ما اقرب الیوم من
تباشیر غد یا قوم هذا ابان ورود کل موعد و دنو من طلعة مالا تعرفون
الا و من ادركها منا یسری فیها بسراج منیر ، و یحذو فیها علی مثال
الصالحین لیحل فیها ربقاً ، و یعتق رقاً ، و یصدع شعباً ، و یشعب صدها
فی ستره عن الناس لا یبصر القائف اثره ، ولو تابع نظره ثم لیشحن
فیها قوم شحن القین النصل تجلی بالتنزیل ابصارهم ، و یرمی بالتفسیر

فی مسامعهم ، ویغبقون كأس الحکمة بعد الصبوح . (۱)

ترجمه : شتاب خواه نشوید آنچه راهست و آماده است و دیر
نشمارید آنچه را که فردا آن را می آورد . چه بسا شتاب خواه چیزی
که اگر بآن برسد دوست میدارد نرسیدن بآن را ، و چه قدر نزدیک
است امروز با اوایل فردا .

ای قوم این زمان وقت ورود هر موعود ، و نزدیکی طلعت
چیزی است که آنرا نمی شناسید . آگاه باشید که هر کس درک کند آن
حوادث را از ما (اهل بیت) در تاریکی های آن حوادث عجیبه بچراغی
نوردهنده سیر می کند ، و همانند شایسته گان رفتار مینماید تا آن که
ریسمانی را باز کند ، و بنده ای را آزاد کند ، و پیوستگی و اجتماعی
در اجتماع اهل باطل را پراکنده سازد ، و پراکندگی و تفرقه ای (تفرقه
اهل حق) را بهم پیوسته سازد در حالی که در پرده است از انظار
مردم اثر شناس اثر او را نمیشناسد هر چند نظر را دنبال کند .

پس از آن البته قومی (برای برابری با اهل باطل و حمایت از
دین و امر بمعروف و نهی از منکر و استقامت در راه حق) تیز (و نافذ
و مؤثر) ساخته شوند مانند شمشیر که آن را شمشیر ساز تیز سازد .
بینش های آنان بنور قرآن جلا داده شود ، و تفسیر قرآن در گوش -
هایشان القا گردد ، و نوشانده می شوند جام حکمت را بعد از نوشاندن
آن در بامداد .

(۱) نهج البلاغه خ ۱۴۸

(۵)

آیا حضرت مهدی (ع) همسر، و
اولاد دارند؟

آیا حضرت مهدی (ع) همسر

و اولاد دارند؟

سؤال:

آیا حضرت صاحب الامر همسر دارند ، و صاحب هائله و فرزند
میباشند اگر دارند کجا اقامت دارند و شناخته شده اند یا بطور ناشناس
زندگی می کنند ، و کسی آنها را نمی شناسد ؟

جواب:

باید متذکر بود که جواب این پرسش درهاله قدم غیبت امام
قرار دارد ، و خفاء امر امام علیه السلام که یکی از نشانه ها و خصایص

آن حضرت است در این نواحی نیز اثر گذاشته است، لذا بطور تحقیق و یقین نمیتوان بآن پاسخ داد چون احادیث و روایات اطمینان بخش در دست نداریم یا اینکه بنظر حقیر نرسیده است، و اگر در عصر ائمه علیهم السلام و در وقت صدور سائر روایات این گونه پرسش‌ها مطرح شده باشد شاید بعضی روایات احادیث برای اینکه در جوهر مطلب دخالت ندارند به حفظ و ضبط احادیث آن همت نگماشته‌اند.

بعضی روایاتی هم که در دسترس است با غمض عین از وضع سند آنها و متون آنها یا از جهت اختلاف نسخه یا غرابت متن ضعیف دارند. مانند روایت شیخ الطائفه شیخ طوسی قدس سره در غیبت از مفضل بن عمر از حضرت صادق عليه السلام (۱) که اگر چه این جمله آن (لا یطلع علی موضعه احد من ولده ولا غیره) که با قطع نظر از مناقشه بعضی در آن بر وجود فرزند برای آن حضرت دلالت دارد.

اما غیبت نعمانی این جمله را چنین روایت کرده است (لا یطلع علی موضعه احد من ولی ولا غیره) (۲).

با وجود این اختلاف، استناد به نقل غیبت شیخ اطمینان بخش نیست بلکه نقل غیبت نعمانی از بعضی جهات مانند علو سند و لفظ حدیث اقرب به اعتبار است.

۱- غیبت شیخ ص ۱۰۲

۲- منتخب الاثر ص ۲۵۲

بعض روایات مثل خبر کمال الدین انباری ، و خبر زین الدین
مازندرانی از جهت غرابت بلکه ضعف ظاهری که در متن آنها است
قابل استناد نمی باشند .

و بعض دیگر مثل فقرات بعض ادعیه و زیارات نیز صراحت
ندارند ، و قابل حمل بر عصر ظهور میباشند علاوه با فرض قبول دلالت
معرض خصوصیات و تفصیلات نمیباشند فقط بطور اجمال اصل متزوج
بودن و فرزند داشتن آن حضرت را بیان میکنند .

و خلاصه سخن آنکه اگر چه همسر و فرزند داشتن آن حضرت محتمل
است اما در بررسی اخبار و احادیث به حدیث معتبری که موجب اطمینان
باشد و خصوصاً متضمن تفصیل این موضوع باشد نرسیدیم ، و دنبال
کردن و تعقیب این موضوع لزومی هم ندارد .

چنانکه وضع جناب خضر که باتفاق شیعه و سنی در حیاة است
و بنابر تفاسیر همان بنده ای است که در سوره کهف سرگذشت موسی
با او آمده است از این جهات بر ما نامعلوم است . و هم چنین وضع
هیبی با اینکه زنده است در این امور عادی از جهات متعدد نامعلوم
است بلکه وضع دجال بنابر قول آنانکه فعلاً او را زنده میدانند و ابن
صائد و ابن صیاد که مسلم در صحیح و ترمذی و ابوداود و ابن ماجه هر
يك در سنن خود روایت نموده اند (۱) از این جهات همه مجهول
است مع ذلك اهل سنت به وجود آنها و حیات فعلی آنها معترفند .

۱- به کتاب منتخب الاثر ص ۲۷۴ و ۲۷۵ مراجعه شود .

(۶)

چرا حضرت مهدی (ع) در فرصتهای
مناسبی ظاهر نمیشوند؟

چرا حضرت مهدی (ع) در

فرصتهای مناسبی ظاهر نمیشوند؟

سؤال :

چرا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه برای رفع ظلم ،
و ارشاد مردم تا حدودی که ممکن است ظاهر نمی شوند ؟ مگر امکان
ندارد که تا وقت ظهور کلی که در شرایط خاص ، و آماده شدن
طبیعت جهان و جهانیان واقع میشود امام عجل الله فرجه در مناسبات و فرصتهائی
ظاهر شوند، و راهنمائیهای بنمایند، و به دوستان و شیعیان و حق پرستان
مدرهائی بدهند ، و هر زمان خطری برای ذات شریفشان جلو آمد یا
مصلحتی اقتضا کرد غایب شوند بهمین نحو ظهورهای جزئی یکی

بعد از دیگری تا آن ظهور کلی مستمر باشد؟

جواب :

این نحو ظهور و غیبت خلاف مصلحت نبوات ، و خلاف مصالح تربیتی جامعه است ، و مانند يك مداخله قوه مستمر غیبی در کادر اختیار بشر ، و سلب اختیار از او میباشد ، و بالاخره بامقصد از خلقت انسان ، و تکامل عادی ، و اختیاری ، و سیر ارادی ، و تدریجی او بسوی کمالی که (انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سمیعاً بصیراً) آنرا پیشنهاد کرده است سازگار نیست ، و موجب وقوف و بازماندن بشر از سیر ترقی و کمال است ، و مانند آن است که همه چیز وابسته به معجزه گردد و جریان طبیعی و عادی که سنت خدا بر آن قرار دارد متروک شود .

ما میدانیم که شرایط ، و مقدمات ظهور دفعة و بطور ناگهانی حاصل نمی شود بلکه از قرنهای پیش و بتدریج فراهم میگردد ، و دنیا بسوی آن پیش میرود ، و از آن استقبال مینماید بلکه ظهور نتیجه حرکت و سیر جامعه انسانی ، و تحولات فکری مختلف ، و دیدن مکتبها و کلاس-های متعدد بسیار است .

چنانکه می دانیم از مقدمات و شرایط ظهور آن حضرت این است که باید سطح اندیشه و طرز تفکر مردم در يك افق ممتاز باشد ،

و شعور بمسئولیت ، و آمادگی برای قبول حکومت واحد و جهانی اسلام فراهم شود ، و این ویژگیها در اثر سیر عادی جامعه در جهات علمی و فکری و سیاسی و اجتماعی حاصل میگردد و این نحو غیبت و ظهور مانع از حصول این اهداف ، و موجب غیر عادی شدن وضع رشد و ترقی افراد و جوامع خواهد شد .

علاوه این ظهور و اختفا اگر ملازم با شناختن شخص امام علیه السلام باشد لازم این است که هر وقت در بین حوادث بحسب وضع عادی اهل باطل بظاهر غالب شدند و در خطر افتادند او که برنامه اش يك سلوك عادی و رهبری متعارف رهبران الهی است برای حفظ جانش که ودیعه خدا برای ظهور کلی است مخفی گردد و مردم را تنها بگذارد .

بدیهی است این برنامه عکس العمل مساعدی نخواهد داشت ، و اگر با شناختن ایشان ملازم نباشد ، و متناً و بطور ناشناس باشد این ظهور و غیبت نیست بلکه استمرار غیبت است با مداخله داشتن در امور به حسب امکان و مصالح که البته هست ، هر چند ما نحوه دخالت ایشان را ندانیم .

از کجا که آنحضرت مثلاً در جنگهای صلیبی شرکت نکرده باشند منتهی تحت فرمان کسی نبوده اند ؟ و از کجا که اصحاب و خواص ایشان وارد نبوده اند ما در حوادث بسیار تأثیر غیبی می بینیم

که اگر عنایت غیبی نبود وضع طور دیگر گشته بود ، وفاتحه اسلام خوانده شده بود یا صدمات جبران ناپذیری وارد می شد این حوادث بسیار است حتی در عصر خودمان نیز می توانیم مواردی را نشان بدهیم .

یکنفر دکتور پزشک داستانی از یکنفر از مجروحین یکی از جنگهای نواحی خراسان که او را از اوتاد و وابستگان بحضرت شناخته و عجایب مهمی از او دیده بود نقل می کرد که متأسفانه هم از جهت این که حکایت طولانی بود و هم از جهت مرور زمان و اینکه در وقتی که این حکایت را برای مرحوم آیت الله والد طاب ثراه نقل مینمود من طفل بودم و کاملاً آن را در ذهن نمی سپردم نمیتوانم بنحو صحیح و خالی از تحریف نقل کنم ولی این حکایت این موضوع را کاملاً روشن می ساخت که افرادی هستند که در بعض امور و کارها و حوادث وارد میشوند .

حال اسم آنها هر چه باشد رجال الغیب یا ابدال یا اوتاد یا اصحاب خاص امام علیه السلام بالاخره معلوم است تحت نظر و فرمان ولی امر انجام وظیفه مینمایند .

حاصل اینست که نه آنچنان است که بالمره امام در عصر غیبت از امور رعیت خود و جریان اوضاع برکنار و بی تفاوت باشند و شاید

به همین نکته اشاره باشد فرمایش رسول اکرم ﷺ در حدیث جابر
وقتی عرض کرد .

«وهل ينتفع شيعته منه في غيبته؟ قال : اي والذي بعثني بالنبوة
يستضيئون بنوره ، وينتفعون بولايته كانتفاع الناس بالشمس من وراء
السحاب» .

جابر پرسید آیا شیعه او نفع می‌برند از او در عصر غیبت او؟
فرمود : آری سو گند به آنکس که مرا به پیغمبری برانگیخت
روشنی میگیرند بنور او و بهره‌مند میشوند بولایت او مثل انتفاع مردم
به آفتاب از پشت ابر .

یکی از اقسام استفاضه و انتفاع از وجود امام عليه السلام همین مداخلات و
تصرفات است که دلیل بر اینست که امام عليه السلام امر شیعیان را مهمل
نگذارده است .

چنان که از آن حضرت در احتجاج روایت شده است فرمود :
انا غير مهملين لمراعاتكم ، ولانا بين لذكركم ، ولولا ذلك
لنزل بكم اللاواء ، واصطلمكم الاعداء .

یعنی ما در مراعات شما اهمال‌گر نیستیم ، و شما را فراموش
نمی‌نمائیم ، و اگر این نبود شر و بدی بر شما نازل می‌گشت و دشمنان
بر شما مستولی می‌گردیدند .

در اینجا مناسب است باین مسئله هم توجه شود که این درك

شیعه و ایمان باین که حضرت در پشت پرده پشتیبان آنهاست ، و آنها را در مقاصد و اهداف اسلامی بانحاء مختلف و مناسب یاری می‌دهد نهضت ها و حرکات اسلامی و جنبش ها را مایه می‌دهد ، و امیدوار می‌سازد و به جهاد و کوشش بیشتر برای برقراری نظام اسلام تشویق می‌نماید .

آخرین نکته :

آخرین نکته‌ای که در اینجا تذکر آن لازم است اینست که این طرحها و پرسش‌ها در برابر يك امر واقع شده از جانب افرادی که در تعیین برنامه آن صلاحیت دخالت ندارند از جنبه فکری اگر تا حدی مفید شمرده شود از جنبه عمل اثری ندارد ، و واقع را عوض نمی‌سازد.

غیبت باین نحو که واقع شده واقع شده است مثل این که انسان یا مخلوقات دیگر همه و همه بهمین نحو که آفریده شده‌اند آفریده شده‌اند ، و گفتن چرا این چنین شده ؟ و چرا آنچنان نشده است ؟ در کار دیگری و در دایره اختیار و سلطنت و مالکیت و آزادی دیگری خصوصاً خدای عالم قادر مختار حکیم ، دخالت بیهوده است و بفرمایش حکیم طوسی :

هر چیز که هست آن چنان می‌باید

و آن چیز که آنچنان نمی‌باید نیست

بنابراین از جنبه عملی باید به برنامه این امر واقع شده توجه داشت و تکالیف و وظایفی را که داریم انجام دهیم ، آنچه واقع نشده است نه با حیات و نه با معاش ما و نه با دنیا و نه با آخرت ما ارتباط ندارد .

(۷)

درباره توقع و شرفیابی ها

درباره توقیع و شرفیابی‌ها

سؤال :

چنانکه می‌دانیم اشخاص جلیل‌القدر و مورد وثوق و اعتماد در حکایات بسیار که از حد توأتر هم گذشته است تشریف بسیاری را بفیض حضور آنور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه نقل نموده‌اند که باسندهای معتبر در کتابهای مشهور ثبت و ضبط است .

در همین عصر خودمان نیز بعضی اشخاص باین سعادت عظمی نایل گردیده‌اند با اینکه در توقیع صادر بنام جناب علی بن محمد سمیری نایب چهارم از نواب اربعه در عصر غیبت صغری اعلام شده است که هر کس پیش از خروج سفیانی و صبیحه ادعا مشاهده نماید کذاب و مفتری است بنابراین چون آن حکایات بهیچ وجه قابل‌خداشه نیست این

توقیع را چگونه باید تفسیر کرد ؟

جواب :

این توقیع اعلام پایان یافتن غیبت صغری و شروع غیبت کبری است که در آن به علی بن محمد سمری رضوان الله علیه امر شده است وصیت باحدی ننماید که بعد از اوقائیم مقام او و نایب خاص باشد (فقد وقعت الغیبة التامة) و هم اعلام صریح بطلان دعوی افرادی است که در غیبت کبری ادعاء نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام علیه السلام و مردم مینمایند .

بنابر این چنانکه بعضی بزرگان هم فرموده اند ممکن است مراد از اینکه مدعی مشاهده کذاب و مفتری خوانده شده است کسانی باشند که ادعاء نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی خود را واسطه بین امام و مردم معرفی نمایند ، و همین حکایات و وقوع تشرف اشخاص به خدمت آن حضرت هم قرینه و دلیل است بر اینکه در این توقیع نفی مطلق مشاهده و شرفیابی مراد نیست بلکه نفی ادعائی است که دلیل بر تعیین شخص خاصی باشد .

و ممکن است مراد از توقیع نفی دعوی اختیاری بودن مشاهده و ارتباط باشد یعنی اگر کسی ادعا کند مشاهده و ارتباط را با اختیار خود که هر وقت بخواهد شرفیاب میشود یا ارتباط پیدا میکند کذاب و مفتری است ، و این ادعاء از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست

یا باینکه مطلق چنین کسی که این سمت را داشته باشد پیدا نخواهد شد یا اینکه هر کس مدعی شود این سمت را دارانست ، و هر کس هم آنرا دارا باشد آنرا از دیگران مکتوم میکند و به کسی اظهار و افشا ننماید .

علاوه بر این پیرامون این توقیع توضیحات دیگر نیز علماء اعلام داده اند و در کتابهایی مثل جنۃ الماوی نقل شده است .

اجمالاً با این توقیع در آن همه حکایات و وقایع مشهور ، متواتره نمیتوان خدشه نمود و بر حسب سند نیز ترجیح با این حکایات است اگر خواننده عزیز خود بکتابهایی مثل نجم الثاقب رجوع نماید می بیند که در این حکایات حکایت‌هایی است که هرگز شخص عاقل در صحت آنها نمیتواند شك کند .

بنا بر این هم شرفیابی اشخاص به حضور حضرت ثابت است و هم کذب و بطلان دعوای کسانی که در غیبت کبری ادعاه سفارت و نیابت خاصه و وساطت بین آن حضرت و مردم را مینمایند معلوم است .

(۸)

چگونگی غیبت حضرت مهدی (ع)

چگونگی غیبت حضرت مهدی (ع)

سوال :

غیبت حضرت صاحب الامر علیه السلام از نظرها چگونه است آیا شخص و جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است ، و جسم ایشان اگر چه شناخته نشوند دیده نمی شود ؟ یا اینکه جسم و شخص آنحضرت دیده می شود ولی کسی ، ایشان را نمی شناسد ؟

جواب :

باید دانست که غیبت جسم شخص یا اشیاء دیگر و مخفی ماندن فعل و عمل انسان از انظار حاضرین در تاریخ معجزات و کرامات انبیاء و اولیاء و خواص مؤمنین بی سابقه نیست و مکرر اتفاق افتاده است .

از جمله در تفسیر آیه کریمه (و اذا قرأت القرآن جعلنا بینك وبين
الذین لا یؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً) (۱) .

علاوه بر آنکه ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه خدا رسول اعظم
ﷺ را در هنگامی که قرائت قرآن مینمود از کفاری (که قصد ایداء
آن حضرت را داشتند) مستور قرار میداد .

در بعض تفاسیر است که از ابوسفیان و نضر بن حارث، و ابو جهل
و حمالة الحطب خداوند پیغمبر ﷺ را در هنگام قرائت قرآن مستور
می فرمود آنان می آمدند و از نزد آن حضرت می گذشتند و او را
نمی دیدند (۲) .

ابن هشام در سیره حکایتی از مستور ماندن شخص پیغمبر ﷺ
از نظر ام جمیل (حمالة الحطب) روایت کرده است که در پابان آن
این جمله را از پیغمبر ﷺ نقل کرده است (لقد اخذ الله ببصرها
عنی) (۳) .

(۱) سوره بنی اسرائیل آیه ۴۵

(۲) مجمع البیان - روح المعانی - الدر المنثور

(۳) سیره ابن هشام ج ۱ ص ۳۷۸ و ۳۷۹ و روایات دیگر از ابن

مردوبه و بیهقی و ابی یعلی و ابی نعیم و ابی شیبه و دارقطنی در الدر المنثور
در تفسیر آیه شریفه نقل شده است .

در وقت هجرت از مکه معظمه بمدینه طیبه نیز بر حسب تواریخ
 معتبر مشرکین که بر در خانه پیغمبر ﷺ برای کشتن او اجتماع کرده
 بودند شخص آن حضرت را ندیدند پیغمبر ﷺ بعد از آن که علی
 را مامور فرمود در بستر او بخوابد بیرون آمد و مشتی خاک
 برگرفت و بر سر آنها گذارد (یس والقرآن الحکیم) را تا (فهم لایبصرون)
 قرائت کرد و از آنها گذشت و کسی او را ندید . (۱)

و در تفسیر الدر المنثور ص ۱۸۶ ج ۴ حکایتی است طولانی
 راجع به خبری که حضرت امام جعفر علی آن را از پدر بزرگوارش
 و آن حضرت از امام زین العابدین از امیر المؤمنین (ع) روایت کرده
 است که از شواهد این موضوع است .

و نیز در تفسیر آیه کریمه (وجعلنا من بین ایدیهم سداً ومن
 خلفهم سداً فاغشیناهم فهم لایبصرون) در کتب تفاسیر روایاتی است ۴
 دلالت بر این موضوع دارند . (۲)

در تاریخ زندگی ائمه (ع) نیز شواهد بر این موضوع متعدد

(۱) سیره ابن هشام ج ۲ ص ۹۵ و ۹۶ - طبقات ابن سعد ج ۱
 ص ۲۲۸ - کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۱۰۳ ، و از کتب معاصرین مع الانبیاء
 فی القرآن ص ۳۶۷

(۲) التبیان - الدر المنثور - نور الثقلین - مجمع البیان و تفاسیر

دیگر

است مانند غایب شدن حضرت امام زین العابدین علیه السلام از نظر مأموران عبدالمملک مروان که علاوه بر علماء شیعه علماء اهل سنت مثل ابن حجر نیز آن را روایت کرده اند.

پس مسئله غایب شدن شخص مسئله ای است واقع شده و سابقه دار و اما خفاء عنوان و ناشناخته ماندن با غایب نشدن شخص بسیار بسیط و ساده است ، و در بسیاری از موارد محتاج باعجاز و خرق عادات نمی باشد و علی الدوام اشخاصی را می بینیم که شخص و جسم آنها در نظر ماست ولی آنها را نمی شناسیم.

پس از این مقدمه در جواب سؤال عرض می شود اگر چه فلسفه وصحت و فائده غیبت بهر یک از دو نحو حاصل می شود ، و این جهات که امر امام علیه السلام مخفی باشد ، و کسی او را نشناسد ، و نتواند بدیگری بشناساند یا متعرض ایشان گردد و سایر هدف ها و مقاصدی که در غیبت آن حضرت است در هر حال حاصل است .

اما از جمع بین روایات و حکایات تشریف افراد خدمت آن حضرت و استفاده تفسیر بعضی آنها از بعضی دیگر دانسته می شود که بهر دو شکل وقوع دارد و بلکه گاهی در زمان واحد هر دو شکل واقع شده است یکنفر ایشان را دیده و شناخته است و دیگری ندیده است چنان که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را در بعضی وقایعی که بآن اشاره شد بعضی میدیدند

و بعضی نمی‌دیدند .

نهایت اینست که در غیبت صغری در بعض مواقع که مکان آن حضرت معلوم بوده است غیبت غالباً به غیبت شخص و جسم بلکه در بعض حکایات مکان و منزل نیز بوده است و بسا که بعض نواب رضی الله عنهم از مکان آن حضرت مطلع بوده‌اند و میدانسته‌اند کجا تشریف دارند و مع ذلك در آن مکان رؤیت نمی‌شدند .

در غیبت کبری هم امکان دارد که نسبت باغلب و اکثر غیبت جسم باشد و در بعض فرصتها و مناسبات و بعض ازمه و امکانه، و نسبت ببعض افراد امکان رؤیت جسم حاصل باشد چه آن که در حال رؤیت آن حضرت را بشناسند (که بندرت اتفاق می‌افتد) یا اینکه بعد از تشریف و سعادت دیدار ملتفت شوند یا اصلاً توجه پیدا نکنند .

اخبار و حکایات معتبر این تفصیلات را روشن می‌سازد ، و بر حسب بعض اخبار در موسم مانع رؤیت جسم مرتفع میشود ولی عنوان شناخته نمی‌گردد .

مطلبی که توجه بآن مناسب است اینست که غیبت جسم بدون اعجاز و خرق عادت واقع نمی‌شود اما غیبت بنام و عنوان و شناخته نشدن بطور عادی نیز واقع می‌شود هر چند در بعض مواقع استمرار آن یا جلوگیری از التفات اشخاص باستعلام و طلب معرفت محتاج به خرق عادت و تصرف در نفوس است که خداوند قادر متعال برای

تحقق اراده خود و حفظ ولی امر تمام اسباب عادی و غیر عادی آن را
به توسط خود ولی یا مستقیماً هر طور که مصلحت باشد فراهم
می‌سازد .

« وما ذلك على الله بعزيز »

(۹)

چگونه امام (ع) باشمشیر در برابر
اسلحه‌های ویرانگر کنونی قیام میکند؟

چگونه اسام (ع) باشمشیر در

برابر سلاحهای ویرانگر کنونی قیام میکند

سؤال :

در موقع ظهور امام زمان (ع) بطوری که از ترقی کنونی بشر در صنعت و تکنیک ملاحظه میشود دنیا مجهز به سلاحهای بسیار مهیب و خطرناک خواهد بود .

آن حضرت در برابر این سلاحهای چگونه مانند جدش قیام به شمشیر خواهد کرد ؟ و چگونه با سلاحهای قدیم مثل شمشیر و غیره با ارتشهای دنیای آنروز جهاد مینماید ؟ ، و آیا میشود تصور کرد کسی بتواند باشمشیر با بمبهای نیدروژنی ، و امثال آن جنگ و نبرد کند .

جواب :

اولا مقصود از خروج به شمشیر مأموریت به جهاد ، و توسل به اسلحه برای اهلاء کلمه حق است .

بنابراین قیام به شمشیر کنایه از قیام با اسلحه و پیکار و جهاد و تعیین نوع مأموریت آنحضرت است و اینکه مأمور بمصالحه با کفار نیست .

بدیهی است با هر اسلحه‌ای که لازم باشد آنحضرت واصحابش با کفار و ستمگران جهاد مینمایند ، و از هر گونه اسلحه‌ای که در زمان ظهور آنحضرت متداول باشد و به استعمال آن حاجت داشته باشند استفاده مینمایند .

وثانیاً: از کجا که در زمان ظهور آنحضرت این اسلحه‌های مهیب در اختیار بشر باقی باشد زیرا ممکن است در اثر حوادث و آشوبها و انقلابات شدید و جنگهای خانمانسوز جهانی که پیش از ظهور آنحضرت واقع میشود و دوثلث بشر را نابود میکند این اسلحه‌های جهنمی معدوم گردد و شاید کسی باقی نماند که بتواند از این اسلحه‌ها استفاده کند یا آنها را تهیه نماید ، و این احتمال هم کاملاً به جا و قابل توجه است .

یکی از اموری که در احادیث از آن خبر داده شده و اوضاع کنونی آنرا ممکن الوقوع نشان میدهد جنگهای جهانی است که در

اثر آن بیشتر نقاط زمین از مسکنه خالی گردد ، و شهرها ویران شود ،
و صدها ملیون بشر را رهسپار دیار عدم سازد .

تا يك قرن پیش وقوع چنین جنگهایی نهایت بعید بود زیرا
با آن اسلحه‌های سابق ، و بانبودن و سایل ارتباط کنونی بین شهرها
و کشورها اگر جنگی واقع میشد اولاً پیش از آنکه خبرش بکشورهای
همسایه و یا دورتر برسد ، و دامنه جنگ گسترش یابد آن جنگ به پایان
میرسید .

ثانیاً : تعیین غالب از مغلوب ، و خاتمه یافتن جنگ ، و تسلط یکی
از دو طرف یا از بین رفتن طرفین متوقف بر کشتارهای عمومی و استعمال
بمب و غیره نبود .

امادر عصر حاضر بطوریکه همه پیش بینی مینمایند با وسایل ارتباطی
که همه عالم را بمنزله يك شهر ، و يك محله نموده ، و با اسلحه‌ها و
تجهیزاتی که در دست زمامداران بی ایمان است و هیچ وسیله‌ای برای
کنترل خشم و شهوت و جاه پرستی آنها نیست اگر جنگ شروع شود
علاوه بر آنکه غالب از مغلوب تشخیص داده نمیشود ، و طرفین از بین
میروند ، کثر ملل و مسکنه کره زمین ممکن است در ظرف چند ساعت
فانی و نابود شوند .

پس اگر در احادیث شریفه فرمودند ظاهر نمیشود مهدی (ع) تا
ثلث مردم کشته شوند و ثلث آنها بمیرند و ثلث آنان باقی بمانند و فرمودند

این ظهور نخواهد شد تا وقتی دو ثلث مردم از بین بروند (۱) نباید تعجب کرد بلکه باید آنرا نشانه علوم بی‌پایان حضرت رسول اکرم ﷺ و ائمه طاهرین (ع)، و آگاهی آنها از آینده و اطلاعشان بر مغیبات باذن و تعلیم خدا دانست، و از معجزات و کراماتشان بشمار آورد.

«فهم موضع سره ولجأ امره و عیبة علمه ، و موئل
حکمه و كهوف کتبه ، و جبال دینه و معادن العلم و ینسابع
الحکمة لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه ولا یدخل
النار الا من انکرهم و انکروه .»

۱- رجوع شود به منتخب الاثر ف ۶ ب ۵ ص ۴۵۲ و ۴۵۳ .

(۱۰)

پاسخ به نلدسن خاورشناس

پاسخ به نلدسن خاورشناس

سؤال :

دوایت م . نلدسن خاورشناس در کتاب (عقیده الشیعة ص ۳۴۸ و ۳۴۹) پیرامون غیبت حضرت مهدی علیه السلام بیاناتی دارد و در آن به مناسبات متعدد اشاره کرده است که یا امر تشیع در اعتلا و قوت بوده است مانند عصر آل بویه ، و صفویه ، و یا آن که ظلم و جنک و فتنه و فساد در ممالک اسلام شایع بوده است مثل اعصار جنگهای صلیبی ، و دوران هجوم و یورش مغول بشهرهای ایران .

معدلك امام مهدی (ع) ظاهر نشدند ، مانند آن که علائم ظهور آشکار شده، و امام (ع) ظاهر نشده باشند در اینجا سخن گفته، و در اذهان پاره‌ای شبهه ایجاد کرده است .

جواب :

باید توجه داشت که سخنان خاورشناسان در مسائل اسلامی خصوص در مواردی که خلاف نظر محققان و دانشمندان مسلمان باشد مورد اعتماد نیست ، و به اعترافات و گواهی آنها در برابر خودشان و ملل دیگر و در مقام تایید و آراء علماء اسلام میتوان استشهاد کرد ولی در مقام تحقیق و کشف حقیقت بچند جهت که ذیلا یاد آور میشویم گفتار آنان اصل و قابل استناد نیست .

۱- بسیاری از خاورشناسان عمال استعمار ، و صهیونیسم و تبشیر ، و دستگاه پاپ هستند ، و از جانب وزارت های مستعمرات یا مراکز دیگر حتی یونسکو که تحت نفوذ کامل صهیونیسم قرار دارد ماموریت دارند علیه اسلام و مسلمانان کتاب و رساله و مقاله بنویسند .

این دسته از خاورشناسان پیشقراول استعمار ، و غرب زدگی و در جدا کردن مسلمانان از فرهنگ و آداب اسلام ، و تضعیف علائق اسلامی و التزام مسلمانان با حکام و تعالیم دین نقش مؤثری داشته و نقشه هایی که علیه مسلمانان طرح کرده ، و پیشنهادهایی که بسا بصورت دلسوزی ، و دعوت به ترقی و تعالی داده اند از سوء نیت و خبیث باطن آنها حکایت می کند ، و متأسفانه گفته های آنها در مطبوعات و جرائد و مجلات غرب زده و مقلد و مزدور مسلمانان منعکس می گردد .

مثلا یکی از آنها مردی است بنام ماسینیون که مأمور وزارت مستعمرات فرانسه بود، وی همان کسی است که پیشنهاد داد برای تجزیه و تفرقه ملل عرب، و برای متروک کردن لغت قرآن، و بیگانه کردن مسلمانان از منطق قرآن، و هدایتها، و ارشادات آن باید در هر منطقه لغت‌های محلی را رسمیت داد تا بتدریج زبان قرآن و منطق و تعلیمات قرآن مهجور گردد، و کسی چیزی از آن را درک نکند، و همه از آن بیگانه شوند. (۱)

بعض این مستشرقان مانند جولدتسیهر در کتابهایی که نوشته‌اند مغرضانه مطالب را تحریف کرده‌اند، و مانند لامنس سعی می‌کنند که در تاریخ اسلام تصرف نموده، و واقعیات را انکار کرده افرادی را که خیانت کرده و با مسیحیت همکاری داشته‌اند تبرئه نمایند، و حکومت‌هایی مثل حکومت بنی امیه را شرعی و نمونه نظام اسلام معرفی کنند.

بعض دیگر فریب کارانه پیرامون اسلام کتاب نوشته برای این

(۱) چنان که تغییر خط و الفبا که در ترکیه عملی شد و اکنون هم استعمار زمزمه آن را در نقاط دیگر حفظ میکند بهمین منظور بود که جامعه ترک از اسلام و قرآن مجید و کتابها و معارف اسلام بیگانه گردد، و خیال استعمار و غرب و مسیحیت از جانب او راحت باشد و سلطان محمد فاتح دیگر پیدانشود.

که در يك مورد با دومورد حساس حقیقتی را مسخ یا تهمت‌ی را با اسلام وارد کنند ، و بطوری آن را عرضه بدارند که حتی بسیاری از مسلمانها هم ملتفت سوءنیت و غرض اونگردند .

برخی هم بسنطور سابقه سازی برای اقلیت‌هایی که اختراع کرده یا تحت الحمایه و مزدور و جاسوس خود قرار داده‌اند به استشراف می‌پردازند و برای این اقلیت‌ها تاریخ ، و نفوذ و دین جعل مینمایند چنان‌که در مورد وهابیه‌ها ، و قادیانی‌ها ، و بهائی‌ها ، و شیخی‌ها و حتی صوفیها کوتاهی نکرده و در خیانتها و جاسوسی‌های بزرگ از آنها استفاده کردند .

۲- گروه دیگر از خاورشناسان بواسطه قلت اطلاع ، و ضعف بررسی اظهار نظرهای غلط ، و جاهلانه ، و دور از حقیقت مینمایند ، و بسا که صلاحیت علمی و حدود اطلاعاتشان از خدمت‌سافرت‌عادی به چند کشور شرقی و کارمندی يك سفارتخانه یا يك مؤسسه در يك کشور شرقی تجاوز نکند.

بدیهی است بررسی‌ها و آراء این افراد عامیانه و مبتذل و بی-ارزش است معذک غرب زدگان شرق چون شیفته هر رای و نظری می‌باشند که صاحبش اسم فرنگی داشته باشد ، و باو مستر یا مسیو یا میسیس یا مادام بگویند بگفتار و نوشته‌های آنان بنظر احترام نگریسته و مثل اصل مسلم میپذیرند .

۳- گروه دیگر را تعصب مسیحیت کسور و کر کرده ، و بر اساس تعصب از تحریف و قلب حقائق ، وبستن هر گونه تهمت و افترا بمسلمانان پاك ندارند .

۴- بعض از خاورشناسان بكارش و تجسس از آراء غير مشهور پرداخته ، و اسامی و نام های فرقه های از بین رفته یا وجود نیافته را زنده می نمایند ، و این کار را بنظر خود کشفی شمرده ، و مسلمانان را متهم می سازند .

۵- برخی دیگر در مقام ایجاد تفرقه بین مسلمانان ، و آنان را در برابر و مقابل یکدیگر قرار دادن ، و به اتحاد اسلامی ضربه زدن در بلاد اسلام گردش می کنند ، و از این فرقه یا اهل این منطقه چیزی را شنیده یا نشنیده بفرقه دیگر و اهل منطقه دیگر می رسانند، و تخم عداوت، و کینه و بدبینی بین آنها می پاشند .

۶- بعض دیگر برای اینکه وضع موجود را متزلزل سازند ، و شعائر اسلامی را تضعیف نمایند در گذشته ها و سوابق بسیار دور ملل و جوامع تجسس می کنند ، و بآن فولکلور می گویند ، و سپس تجدید آن گذشته های مرده و کهنه را بآنها عرضه میدارند، و مردم را عقب گرا می نمایند ، و التزام و تعهدشان را به سنن و شعائری که بآن ملتزم و متعهد هستند ضعیف می سازند ، و سرگردان و بی علاقه و بی شخصیتشان کرده خصائص دینی و قومی آنها را از آنان سلب مینمایند .

۷- معدودی مستشرقین بی غرض نیز هستند که تا حدودی صلاحیت بررسی و کاوش دارند ، و مقصودشان کشف حقایق و تحقیق ساده است که بر حسب درجات معلومات و تخصصی که دارند نوشته- های آنها ارزش دارد مع ذلك نوشته های این افراد نیز خالی از اشتباه نیست ، و نیاز به تحقیق و تخلیص دارد هر چند بررسی های آنها در بعض رشته ها مفید و مخصوصاً برای رفع تهمت‌هایی که قرن‌ها مسیحیت متعصب و خودخواه با اسلام زده است سودمند است .

پس از این مقدمه می‌گوئیم از بررسی کتاب (عقیده‌الشیعه) استفاده میشود که نویسنده با اینکه شانزده سال در مشهد مقدس اقامت داشته است مسائل را با عینک حقیقت بینی مطالعه نموده ، و حتی مانند یک فرد نه مسلمان و نه مسیحی دنبال تحقیق نبوده و اسلام و مجامع اسلامی ، و برنامه و آداب مسلمانان را از دیدگاه یک کافر مسیحی مامور و گذارشگر مطالعه می‌کرده است

لذا اگر چه در بعضی موارد ناچاراً اعترافات دارد ، و از خلال نوشته‌هایش حقایق بسیار روشن میشود ، ولی چون حقانیت اسلام را قبول نداشته ، و بررسی او هم برای حقیقت شناسی ، و رسیدن بدین حق نبوده است در توجیه و تفسیر مسائل و حوادث چنان رفته است که منتهی به آشکار شدن بطلان کلیسیا و مسیحیت کنونی ، و حقانیت اسلام نگردد .

اینگونه بررسی و تحقیق در عقاید و آراء و جهات افتراق فرق کار سازمانهای شرق شناسی تبشیر و استعمار را آسان میسازد ، و آنانرا در راه گسترش نفوذ و تسلط بر کشورهای شرقی یاری میدهند .

کتاب (هقیقة الشیعه) باید مورد نقد و بررسی دقیق محققان شیعه قرار بگیرد . و پیرامون اشتباهات و غرض ورزیهای که در آن است توضیحات لازم داده شود .

در قسمتهای مختلف این کتاب به گفته های خاورشناسان مغرض یا اشتباه کار نیز استناد کرده ، و به نتایج بررسی های آنها اعتماد نموده است مانند . ارنولد ، ولامنس ، ونیلکسون ، و جولد تسیهر ، و براون و مویر ، و مرغلیوٹ . و نیکلین ، ولسترینج ، و برتن ، و ما کدونالد و فرید لاندر ، و برو کلمن ، و ستانلی لین بول ، و سریری سایکس ، و بردلیم رمزی ، و هیوارث .

در بین خاورشناسان نامبرده افرادی هستند که در قلب حقایق و تحریف مطالب و غرض ورزی ، و دشمنی با اسلام و مسلمین مشهور و معروفند .

این مطالبی که پیرامون غیبت امام (ع) در ص ۳۴۸ و ۳۴۹ نگاشته است نمونه ای از اشتباهات او یا غرض ورزیها و دشمنیهای او با شیعه و مسلمانان است .

زیرا هر کس در عقاید شیعه و اخبار و احادیث راجع به غیبت

حضرت صاحب الامر (ع) و کتابهایی که در اینموضوع نوشته شده
بررسی مختصر هم کرده باشد میفهمد که مسئله انتظار ، و شرایط
و برنامه آن از دید شیعه و منطق احادیث و اخبار از این مناسبتها که
(نلدسن) ذکر کرده است گسترده تر است ، و با اوضاع عمومی
جهان ارتباط دارد و یک مسئله طائفه‌ای و منطقه‌ای و مربوط بگوشه‌ای
از جهان نیست .

مسئله تمام زمین ، و تمام جهان و انقلاب جهانی است .

این مسئله با حکومت آل بویه ، و سلطنت صفویه اگر هم فرض
شود که برنامه کار آنها در آن قسمت که تحت اداره داشتند در
حدودی به نظام حکومت اسلام نزدیک بوده و احکام اسلام و نظام
اسلام را تا آنجائیکه حکومت و استبداد آنها در مخاطره قرار نگیرد
پیاده میکردند - ارتباط ندارد .

وضع سایر مناطق ، و امکانات بسیار دیگر نیز باید در نظر گرفته
شود و علاوه بر آنکه این يك ظهوری است که حصول تمام شرایط و
زمینه‌های آن و وقت آنرا خدا میداند میدانیم که از جهات متعدد در
آن زمانها انجام پذیر نبود .

همچنین از نظر جنگ و فتنه و فساد و بیدادگری و خونریزی وضع
منطقه خاصی را نمیتوان در نظر گرفت ، و شرایط ظهور را مساعد
شمرد که همیشه کم و بیش این حوادث هست ، در مناطقی حکومت

شر و ظلم و فساد وجود دارد، و در منطقه دیگر حکومت بالنسبه معتدل تر
اینها مناسباتی نیست که در آن و برای آن ظهور کلی عدل و آرامش
و نظام اصلح صورت پذیر باشد .

در جنگهای صلیبی ظلم و جور با اصطلاح همه حتی در مناطق
طرفین و جود نداشت ، و بمعنی حقیقی ظلم و جور اگر چه وجود
داشت چون همه آن حکومتها بر اساس استضعاف و استبداد بودند اما
رشد جوامع به حدی نبود که آنها درك کنند و سنگینی و فشاری را
که آن حکومتها بروح انسان دارد احساس نمایند ، و معدودی هم از
مردمان آشنا با منطق حقیقی قرآن اگر چه درك میکردند در اقلیت
محض بودند ، و جنگهایی را هم که آتشش روشن بود عدل و حق
خواهی می شمردند .

در هجوم مغول نیز وضع بهمین گونه بود ، و تاسیس حکومت جهانی
اسلام ، و انقلاب عظیم توحیدی آن امکان پذیر نبود ، و همان مردمی که
گرفتار این حمله بودند این مسائل عالی را درك نمی کردند .

بر افرادی که بنسبت از اختیار شمرده میشدند افکار ضعیف پرور و
شهامت و شجاعت کش و درون گرای صوفیانه مسلط بود که از عالم
پهناور اسلام حال مقاومت ، و دفاع از چنین یورش را سلب کرده
بود .

چنانکه داستان قتل شیخ نجم الدین صوفی در مسجد جامع و

اهانت‌هایی که از جانب مغول بقرآن مجید و مقدسات اسلام شدند نمونه‌ای از این وضع اسفناک، و افکار منحرف مسلمانان است.

غرض اینکه زمینه برای حکومت جهانی اسلام فراهم نبوده افکار و اندیشه‌ها و سطح بینش و بصیرت و رشد مردم آماده بود، و نه مردم حاضر بفاکاری و همکاری در این سطح جهانی بودند.

چنانکه گفتیم ما نمیتوانیم این شرایط را از هر جهت بدست بیاوریم و نمیتوانیم حصول تمام آن مقدمات را در يك عصر معین پیش بینی کنیم که مثلاً در چند قرن، و چند هزار سال فراهم میشود. و باید چه کلاسها و مکتبهائی را بشر به بیند، و چه رژیمهائی را پشت سر بگذارد، و از اینکه آنها بتوانند اصلاحات را در سطح واحد و بنفع تمام بشریت انجام دهند ما بوسه گردد تا بآن عصر علم و عصر پاکی، و عصر فضیلت و عدالت برسد.

حضرت امیر المؤمنین (ع) میفرماید (ما طول هذا العناء، و ابعدهذا الرجاء) چه طولانی و دراز است این رنج، و چه دور است این امید.

این همه اخبار (یما لله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً) خدا پر میکند باوزمین را از قسط و عدل بعد از اینکه پر شده باشد از ظلم و جور، و مانند این فرمایش امیر المؤمنین (ع) که میفرماید:

(ذاك حيث تكون ضربة السيف على المؤمن اهن من الدرهم من حله ذاك حيث يكون المعطى اعظم اجر آمن المعطى. ذاك حيث تسكرون

من غیر شراب بیل من النعمة والنعميم، و تحلفون من غیر اضطرار، و تکذبون من غیر ا حراج ذاك اذا اعضکم البلاء كما يعرض القتب غارب البعير) .
این (ظهور و فرج) هنگامی بوقوع می پیوندد که ضربت شمشیر بر مؤمن آسانتر است از بدست آوردن یک درهم حلال . این وقتی است که عطا شوندند اجر و مزدش از عطا کننده عظیمتر باشد این هنگامی است که مست میگردند از غیر شراب بلکه از نعمت و نعیم و سو گند یاد می کنید نه از ناچاری ، و دروغ میگویند نه از جهت ضرورت . این در زمانی است که بلاء شمارا بگذرد چنانکه پالان کوهان شتر را میگذرد .

این احادیث دورنمایی از وضع آن زمان است اما چه اسباب و شرایطی فراهم میشود که پر از ظلم و جور شود . و این سختیها و تغییرات پیش بیاید ، و این اسباب و شرایط مقدماتش از چه زمان فراهم میشود .
بنظر میرسد که مرور اعصار و تحولات و پیدایش مکتبهای گوناگون و رژیمها و نظامات در قرنهای و دور آنها این اسباب را آماده میسازند و جهانرا آستان این ظهور عظیم مینمایند .

(نلدسن) بدون توجه و بررسی این دقایق و نکات و جواب موضوع یا با توجه و مغرضانه مانند آنکه علائم و نشانیهای ظهور آشکار شده باشد و امام (ع) ظاهر نشده باشد در اینجا سخن گفته است و افکار افرادی اطلاع ، و شیعه شناس را گمراه کرده ، و تحقیق و بررسی را بدنام ساخته است .

بدیهی است مسلمانان آگاه در مورد نوشته‌ها و کتابهای خاور
شناسان که بیشتر یا مغرض ، و با اطلاعات کافی ندارند بدستور (فبشر
عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله ،
واولئک هم اولو الالباب) عمل خواهند نمود .

بتاریخ ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۹۸ هجری قمری مطابق ۱۵ خرداد

۱۳۵۷ هجری شمسی .

لطف الله صافی گلپایگانی